

آگوست
۲۰۲۶

اقتصاد سیاسی کوردستان: از توسعه‌یافتگی تا توسعه‌زدایی

نویسنده: ولی یادرگی | ترجمه‌ی: طاهر ادمنش



پل بر روی رود دجله در نزدیکی شهر دیاربکر
منبع: هوگو گروته، *Geographische Charakterbilder*، لایپزیگ، ۱۹۰۹

دیوید مک‌داول در مقدمه کتاب بسیار تأثیرگذارش درباره کوردها، «تاریخ مدرن کوردها»، به کمبود منابع در آرشیوهای تاریخی از اقتصاد کوردستان و خلاء ناشی از آن در مطالعه کوردستان اشاره می‌کند، و با نکته‌بینی قابل توجهی خاطرنشان می‌سازد که:

«شاید مهم‌ترین خلاء، فرآیندهای تغییرات اقتصادی و اجتماعی باشد. نمی‌توانم احساس نکنم که اگر این موارد بهتر مستندسازی و درک می‌شدند، بسیاری از رویدادهایی که در کوردستان از آن‌ها آگاه هستیم، دستخوش بازنگری می‌شدند.» (مک‌داول، ۲۰۰۰: XII)

این مقاله^۱ با هدف پُرکردن همین فقدان که به‌درستی از سوی مک‌داول مورد اشاره قرار گرفته، با مروری بر تحولات اقتصادی کوردستان پیش خواهد رفت. در این مسیر، رویدادها و دگرگونی‌های سیاسی و اقتصادی کوردستان در سال‌های ۱۵۱۴ تا ۱۸۰۰ بررسی می‌شود: دوره‌هایی که از زمان ادغام شدن امپرنشین‌های کورد در امپراتوری عثمانی و تأسیس رژیم‌های نیمه‌مستقل کورد، تا آستانه سرکوب این حکومت‌ها ادامه می‌یابد. پس از آن، تحولات و رخداد‌های سیاسی و اقتصادی کوردستان را در سال‌های ۱۸۰۰ تا ۱۹۱۴ واکاوی می‌نمایم: عصری که طی آن همه رژیم‌های نیمه‌مستقل در کوردستان عثمانی سرنگون شدند، نفوذ سرمایه‌داری

^۱ از منظر قیود سه‌گانه پژوهش، قید موضوعی مقاله حاضر: «اقتصاد سیاسی»؛ قید مکانی: «باکور کوردستان»؛ و قید زمانی: «از ۱۵۱۴ تا ۱۹۵۰» می‌باشد. به‌جهت سپهر گسترده تاریخی و ابعاد جغرافیایی مطالعه حاضر، و همگرایی مسئله پژوهش با «تاریخ اقتصادی» و «اقتصاد سیاسی»، جهت تسهیل خوانش مخاطبان و خوانندگان، در بخش ضمیمه مترجم (انتهای مقاله حاضر) ایضاح اصطلاحات و عبارات تخصصی به‌کاررفته در متن ارائه شده است. ط.ر.

جهانی به آناتولی عثمانی تعمیق شد، و جنگ جهانی اول آغاز گشت. در نهایت، سال‌های ۱۹۱۴ تا ۱۹۲۹ را در کوردستان مورد بررسی قرار می‌دهم: دورانی که امپراتوری عثمانی فروپاشید، کوردستان دچار دگرشکلی (تغییر ساختار) شد، حقوق جمعی کوردها انکار گردید و مسئله کورد، فضای سیاسی عصر پساعثمانی را به خود مشغول ساخت.

شکل‌گیری اقتصاد کوردستان و روندهای اساسی آن

پس از نبرد چالدران، به استثنای چند امیرنشین کورد که یا ترجیح دادند مستقل از هر دو امپراتوری صفوی و عثمانی باقی بمانند، یا همچنان حاکمیت صفوی را به رسمیت بشناسند، مابقی امیرنشین‌های موجود کورد، در امپراتوری عثمانی ادغام شدند. ایالت تازه‌تأسیس دیاربکر (۱۵۱۵) میزبان همه قبایل کورد بازمانده، در ازای به رسمیت شناختن حاکمیت عثمانی بود. نخستین ترازنامه رسمی درآمدهای دولتی یا «بودجه» خزانه در سال‌های ۱۵۲۷-۱۵۲۸، ارزش کل تمامی درآمدهای امپراتوری عثمانی را 537.90 میلیون آقچه نشان می‌دهد، که معادل 9.7 میلیون دوکات طلاست.¹ درآمدهای دولتی شامل ۴۷۷ میلیون بود، که ۸۹ درصد از کل درآمد امپراتوری را تشکیل می‌داد (جدول 1 را بنگرید)

هدف واقعی این «بودجه‌ها»² تعیین این مسئله بود که آیا مازاد (درآمد اضافی) محقق شده است یا خیر؛ بنابراین، برای یک «بودجه» کارآمد، دولت‌مردان عثمانی پس از هزینه‌ها، مازادی پیش‌بینی می‌کردند تا کسانی که از خزانه سلطان

حقوق دریافت می کردند، نگرانی ای درباره درآمد خود نداشته باشند (اینالچیک، ۱۹۹۴: ۷۷) هنگامی که درآمدها و هزینه های ایالت دیاربکر با سایر مناطق آناتولی عثمانی (جدول ۲ را بنگرید) مقایسه می شود، که امروزه تقریباً منطبق بر ترکیه مدرن است، آشکار می شود که مناطق اخیر با کسری بودجه اداره می شدند، در حالی که ایالت نخست (دیاربکر) مازاد درآمد داشت. این در حالی است که دیاربکر از میان چهار استان مورد مقایسه، سومین تراکم جمعیتی را دارا بود.

جدول ۱: کل درآمد امپراتوری عثمانی، ۱۵۲۷-۱۵۲۸ (به میلیون آقچه)

منبع درآمد	ارزش
خاص سلطنتی	۲۷۷
سایر درآمدهای خاص و تیمارهای توزیع شده	۲۰۰
املاک وقف و ملک	۶۰
مجموع	۵۳۷

منبع: اینالچیک (۱۹۹۴: ۸۱)

جدول ۲: ترازنامه درآمدهای استانی، ۱۵۲۷-۱۵۲۸ (به میلیون آقچه)

استان	درآمد	هزینه	تراز
آنادولو، قرامان، روم و ذوالقدریه	۲۹۴/۸۵	۳۲۲/۱۳	۲۷/۲۸-
دیاربکر	۲۱/۴۶	۲۰/۱۰	۱/۳۶+

منبع: اینالچیک (۱۹۹۴: ۸۳)؛ بارکان (۲۰۰۰: ۶۴۹-۶۹)

توضیح: در نسخه منتشرشده «بودجه» ۱۵۲۷-۱۵۲۸، ترازنامه های استان های آنادولو، قرامان، روم و ذوالقدریه با یکدیگر محاسبه شده اند (بارکان، ۲۰۰۰: ۶۴۹-۶۹).

چنین وضعیتی از توسعه یافتگی منحصر به «بودجه» ۱۵۲۷-۱۵۲۸ نبود، زیرا کسری های بیشتری از این مناطق - به ویژه روم ایلی و آنادولو - در سال های بعدی

قرن شانزدهم تحمیل شد، چنانکه کسری‌های وارد شده از استان‌های مذکور در «بودجه» منتشر شده بعدی، یعنی ۱۵۴۷-۱۵۴۸ نیز گواه آن است. هزینه‌های بودجه مرکزی در سال ۱۵۴۶ به ۱۷۱,۹۹۷,۴۴۹ آقچه، و در سال ۱۵۴۷ به ۱۱۱,۹۹۷,۴۴۹ آقچه رسید. درآمد خزانه مرکزی از استان‌های آناتولی و روم‌ایلی در همان سال‌ها به ترتیب: ۱۳۵,۴۰۲,۰۲۲ آقچه در ۱۵۴۶ و ۹۴,۵۴۳,۳۴۹ آقچه در ۱۵۴۷ بود. در نتیجه، کسری‌های ۳۶,۴۷۰,۳۳۵ آقچه و ۱۷,۴۵۴,۶۹۴ آقچه پدید آمد. درآمدهای مازاد حاصل از استان‌های تازه فتح شده مصر، شام، دیاربکر و بغداد، این کسری‌ها را پوشش داد (ساهیلیاوغلو، ۱۹۷۰: ۲۳۹-۴۰). مازاد درآمد منتقل شده از دیاربکر به خزانه مرکزی از حدود 1.36 میلیون آقچه در «بودجه» پیشین به حدود ۵ میلیون آقچه در «بودجه» ۱۵۴۷-۱۵۴۸ افزایش یافت (بارکان، ۲۰۰۰: ۸۹۱). در تنها «بودجه» منتشر شده دیگر برای قرن شانزدهم، یعنی «بودجه» ۱۵۶۷-۱۵۶۸، درآمدها و هزینه‌های ایالت دیاربکر به شکلی که در بودجه‌های اخیرالذکر ثبت شده بود، ضبط نگردید. (بارکان، ۲۰۰۰: ۹۶۲-۷۳)

بی‌نظمی‌های دوره‌ای و تغییر محتوای «بودجه‌ها» در قرون هفدهم و هجدهم (یعنی تقریباً هیچ‌یک از «بودجه‌های» منتشر شده در قرون هفدهم و هجدهم، توزیع جغرافیایی همه منابع درآمدی را ارائه نمی‌دهند)، مطالعه منظم منابع مکانی (جغرافیایی) درآمدها و هزینه‌های دولتی را در این دوران به شدت دشوار می‌سازد. با این حال، همانگونه که احمد تاباکوغللو در مطالعه پیشگامانه خود درباره دفاتر «بودجه»‌های عثمانی از نوع ایجمال^۳ و ریزنامه^۴ مطرح می‌کند، درآمدهای استانی

در این دو قرن - به استثنای مصر - از مقاطع⁵ یا درآمدهای مالیاتی واگذار شده (متعّه) تشکیل می‌شد، که توسط شعبه محاسبه خزانه شاهنشاهی اداره می‌گردید (تاباگوغلو، ۱۹۸۵: ۱۶۸-۹). بنابراین، به‌منظور درک تحول درآمدهای استانی در طول قرون هفدهم و هجدهم، در این قسمت، از داده‌های مستند در مورد درآمدهای مقاطع استانهای عثمانی بهره‌ی زیادی خواهم بُرد.

یکی از مدارک رسمی موجود از قرن هفدهم، حساب‌های ایجمال در دفتر مقاطع (مالیات‌های واگذار شده) برای سال ۱۶۳۶-۱۶۳۷، به شماره مالییه‌دن مودور ۷۰۷۵^۶ است. این سند بینشی از میزان و منابع درآمدهای مقاطع در اوایل قرن هفدهم، از مناطق و استان‌های زیر از امپراتوری ارائه می‌دهد: «آناتولی غربی، مرکزی، جنوب-مرکزی» (آنادولو، ذوالقدریه، قرامان، روم، قسطنطنیه و بوسا (بولو))؛ «آناتولی جنوب شرقی (دیاریکر)»؛ «آناتولی شرقی (ارزروم)»؛ و «شمال سوریه و بخشهایی از آناتولی جنوب-مرکزی (حلب)» (مورفی، ۱۹۸۷: ۲۲۰).

این درآمدهای مقاطع نشان می‌دهند که منابع درآمدی استانی در کوردستان در اوایل قرن هفدهم، در مقایسه با درآمدهای مقاطع سایر استان‌های آناتولی، به اهمیت بیشتری دست یافته بودند. درآمدهای مقاطع به‌تنهایی در دیاریکر تقریباً معادل درآمدهای مقاطع پنج منطقه مجاور آناتولی، به استثنای ذوالقدریه، بود. درآمدهای مقاطع در ارزروم سه برابر میزان درآمدهای استان‌های مجاور روم و قرامان بود. (جدول ۳ را بنگرید)

بر اساس داده‌های موجود در مورد تجارت، و نیز درآمدهای اصلی استانی دیاربکر و ارزروم (جداول 4 و 5) می‌توان به‌طور معقولانه چنین مفروض گرفت که پایه درآمدهای استانی دیاربکر و ارزروم در قرن هفدهم، شامل معادن و صنایع معدنی و تجارت، پرورش و تجارت گوسفند، تولیدات نساجی و درآمدهای گمرکی حاصل از تجارت دوربرد (طولانی مسافت) که از کوردستان عبور می‌کرد، تشکیل می‌شد.

جدول ۳: درآمدهای مالیاتی واکذارشده (مقاطع) استانی آناتولی و بخش‌های ساحلی و شمالی سوریه، اوایل قرن هفدهم (به آقچه)²

استان	مبلغ
حلب	۲۴,۱۰۶,۷۲۷
ذوالقدریه	۳۰,۹۱۱,۷۶۰
قرمان	۲,۳۹۰,۰۰۰
دیاربکر	۲۵,۰۱۹,۷۵۰
روم	۳,۰۶۳,۰۰۰
دمشق	۱۵,۳۸۲,۰۰۰
ارزروم	۱۶,۸۰۰,۰۰۰
کاستامونو	۲,۶۵۶,۱۱۳
بورسا (بولو)	۵,۳۳۴,۰۴۲
آنادولو	۱۲,۳۹۹,۴۰۰

منبع: مورفی (۱۹۸۷: ۲۲۰)

جدول ۴: درآمدهای اصلی استان‌های دیاربکر و ارزروم، اوایل قرن هفدهم (به آقچه)

استان	منبع درآمد	مبلغ
دیاربکر	گمرک	۶,۰۲۱,۹۵۰
	مالیات فروش بر پارچه‌ها و تولیدات نساجی	۵۵۱,۸۰۰
	مالیات بر گوسفند	۵۵۵,۰۰۰
	مالیات از اقوام کوچ‌نشین یا کنفدراسیون‌های عشیره‌ای	۲,۶۷۹,۵۰۰
ارزروم	گمرک	۸,۰۰۰,۰۰۰

² در بازه زمانی میان سال ۱۵۲۶ (۱ آلتون = ۶۰ آقچه) و ۱۶۳۶ (۱ آلتون = ۲۴۰ آقچه)، معادل مبادله‌ای یک سکه طلا در نقره آقچه در گردش، چهار برابر افزایش یافته بود (مرفی، ۱۹۸۷: XXI).

۳,۱۸۲,۶۵۰	معادن و مواد معدنی
۸۴,۲۵۲	درآمدهای حاصل از نمک‌زارها

منبع: مورفی (۱۹۸۷: ۲۲۶-۳۲)

جدول ۵: واردات انگلیسی و فرانسوی از شام (لوانت)، ۱۶۲۰-۱۷۸۹

الف) واردات انگلیسی (به هزار پوند در سال)

کالا	۱۶۲۱-۱۶۳۴	۱۶۶۳-۱۶۶۹	۱۶۹۹-۱۷۰۱	۱۷۲۲-۱۷۲۴
ابریشم خام	۷۳	۱۷۲	۲۱۹	۲۷۴
نخ پشمینه (موهیر)	۹	۴۵	۳۲	۴۰
پنبه و نخ پنبه	۲۵	۲۸	۲۵	۱۲
گال‌ها (چهارمغز/مازوی گیاهی)	۵	۵۸	۱۳	۷

ب) واردات فرانسوی (به میلیون لیور در سال)

کالا	۱۷۰۰-۱۷۰۲	۱۷۵۰-۱۷۵۴	۱۷۸۵-۱۷۸۹
مواد نساجی			
ابریشم	۲,۴۱۶	۲,۰۹۵	۱,۶۸۳
پنبه ^۳	۱,۵۲۸	۵,۶۸۴	۱۲,۷۹۲
نخ پشمینه (موهیر)	۶۳۹	۱,۸۳۵	۱,۴۳۷
کرک شتر	۱۳۷	۹۱۴	۱,۰۲۱
گال‌ها (چهارمغز/مازوی گیاهی) ^۴	۱۷۰	۴۸۸	۸۵۳
تولیدات نساجی	۳۸۵	۱,۷۱۵	۲,۴۳۰

منبع: دیویس (۱۹۷۰: ۲۰۲-۴)

^۳ مقدار زیادی از پنبه به صورت محلی در مکان‌های زیر در کوردستان عثمانی به نخ و پارچه تبدیل می‌شد: ارگانی، ماردین و دیاربکر. پارچه قرمز پنبه‌ای دیاربکر بسیار مشهور بود و در قرون هفدهم و هجدهم تقاضای زیادی در خارج از کشور داشت. به طوری که به گفته تاورنیه، نیمی از جمعیت در اواسط قرن هفدهم به تولید آن، و همچنین تولید چرم قرمز مراکشی اشتغال داشتند.

^۴ همه گال‌های صادرشده، از دیاربکر، وان و موصل سرچشمه می‌گرفتند (دیویس، ۱۹۷۰: ۲۰۰-۱؛ ون بروینسن، ۱۹۸۸: ۴۰)

منابع درآمدی در استان‌های دیاربکر و ارزروم اهمیت نسبی خود را در قرن هجدهم حفظ کردند. همانگونه که در درآمدهای مقطع خلاصه‌شده در «بودجه» ۱۷۰۶-۱۷۰۷ در جدول 6 نشان داده شده است، درآمدهای واگذارشده (مقاطع) استان‌های ارزروم و دیاربکر تقریباً معادل کل درآمدهای سه استان بزرگ عثمانی در آناتولی یعنی: آنادولو، قرامان و سیواس بوده است.

تاباکوگلو (1985) با تجمیع درآمدهای مقاطع موجود در اسناد مالی گوناگون عثمانی، روند پیشرفت درآمدهای ده مقطع برجسته در امپراتوری را بین اواخر قرن هفدهم تا اواسط قرن هجدهم دنبال می‌کند (جدول 7). یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که منابع درآمدی استانی سرچشمه گرفته از کوردستان، منابع حیاتی درآمدی برای اقتصاد عثمانی بودند. مقاطع ارزروم و دیاربکر در زمره برجسته‌ترین منابع درآمدی برای امپراتوری عثمانی به شمار می‌رفتند.

جدول ۶: درآمدهای مقاطع (واگذارشده)، ۱۷۰۶-۱۷۰۷ (به میلیون آقچه)

استان	مبلغ
آنادولو	۴/۶
قرامان	۲/۳
سیواس	۸/۰
ارزروم	۱۳/۹
طرابزون	۱۰/۹
چلدیر	۲/۴
حلب	۲۱/۹
آدانا	۱۳/۸
ماراش	۴/۹
رقه	۹/۶
دمشق	۱/۶
صیدا-بیروت	۲۸/۳
طرابلس	۴۱/۷
دیاربکر	۱۳/۵

۳/۲	موصل
۴/۴	بغداد

منبع: تابکوخلو (۱۹۸۵: ۱۷۰)

هنگامی که مقیاس و منابع درآمدی برجسته‌ترین مقطع استان دیاربکر (دیاربکر و یوئدالیقی^۷) در سال ۱۷۹۷-۱۷۹۸ (جدول ۸) به همراه درآمدهای اصلی این استان در اوایل قرن هفدهم (جدول ۴) و کل درآمدهای مقاطع در اوایل و اواسط قرن هجدهم (جدول ۶ و ۷) مورد بررسی قرار می‌گیرند، می‌توان به دو نتیجه مرتبط دست یافت. نخست اینکه در اواخر قرن هجدهم، دیاربکر درآمدهای مقطع خود را افزایش داد؛ دیگر اینکه این استان پایه درآمدی مبتنی بر تولید و تجارت را حفظ کرد، چنانکه از درآمدهای حاصل از گمرک، رنگریزخانه‌ها و عوارض بازار آشکار است. بنابراین، در آستانه قرن نوزدهم، منطقه شاخص کورد در امپراتوری عثمانی، دست کم به اندازه اوایل قرن شانزدهم به عنوان منبع درآمدی برای خزانه شاهنشاهی ارزشمند بود (اگر بیشتر نبود)، و پیشرفت آن در حوزه تولید و در تجارت بین‌المللی، آن را به یکی از امیدوارکننده‌ترین مراکز تولید و بازرگانی تبدیل کرده بود.

جدول ۷: مقاطعات (مالیات‌های واگذار شده) اصلی، ۱۶۹۸ تا ۱۷۴۸ (به میلیون آقچه)

منبع/سال	۱۶۹۸-۹۹	۱۷۰۰-۰۱	۱۷۰۱-۰۲	۱۷۰۶-۰۷	۱۷۱۰-۱۱	۱۷۱۶-۱۷	۱۷۲۴-۲۵	۱۷۴۸
گمرکات ارزروم	۱۱/۴	۱۱/۵	۱۱/۶	۵۱۳/۹	۱۲/۲	۱۷/۴	۱۵/۵	-
درآمدهای حلب	۲۰/۱	۲۰/۲	۲۰/۱	۲۱/۹	۱۹/۲	۲۳/۵	۲۳/۴	۲۲/۵

^۵ این کل درآمد ایالت ارزروم است.

۱۴/۰	۱۲/۸	۱۲/۹	۱۰/۹	۹/۵	۸/۵	۸/۶	۹/۳	مقاطعات رقه
۲۷/۶	۲۷/۴	۲۶/۹	۲۷/۴	۲۸/۳	۲۶/۷	۲۶/۷	۲۶/۵	مقاطعات صیدا-بیروت
۳۶/۱	۲۹/۶	۳۶/۱	۳۵/۸	۴۱/۷	۳۸/۳	۳۸/۳	۳۱/۲	مقاطعات طرابلس
۱۰/۵	۱۰/۳	۹/۳	۹/۵	۶۱۳/۵	۹/۲	۱۳/۳	۱۰/۱	دیاریکیر
-	-	۹/۶	۹/۵	-	-	۱۰/۱	۱۰/۰	خواص (املاک) گوموش خانه
-	۱۸/۲	-	-	-	۱۲/۸	-	۱۰/۱	گمرکات ساکیز وازمیر
۲۲/۲	-	-	-	-	۱۷/۰	-	۱۷/۰	مقاطعات افلاک (یورغیر)
۵۷/۳	-	-	-	۳۹/۸	۹۹/۸	-	۳۹/۸	گمرکات استانبول

منبع: تاباک اوغلو (۱۹۸۵، ص ۱۷۳)

جدول ۸: درآمد های وُیُودالیقی دیاریکیر، ۱۷۹۷-۱۷۹۸ (به قروش^۷)

مبلغ	منبع درآمد
۹۷'۴۹۰	گمرک (گومروک)
۳۵'۰۰۰	عوارض رنگری خانه (بویا خانه)
۳۳'۵۵۰	مالیات فروش (دامغا)
۳۴'۰۰۰	اجاره زمین (عرضه)
۸'۳۴۴	عوارض صنعتگران (احتصاب)

منبع: آرشیو نخست وزیری، بابِ دفتری محاسبه، شماره ۶۵۳۸، در بیلمازچلیک (۱۹۹۵: ۲۸۵)

^۶ این کل درآمد ایالت دیاریکیر است.

^۷ در سالهای ۱۶۹۰-۱۸۴۴، ۱ قروش معادل ۱۲۰ آقچه یا ۴۰ پارا بود (پاموک، ۱۹۹۴: ۹۶۷).

توسعه نیافتگی در کوردستان در عصر تمرکزگرایی، غرب گرایی و بحران

قرن نوزدهم دورانی بود پُر از تغییرات شگرف در کوردستان عثمانی. در نیمه نخست این قرن، ساختارهای اداری دیرینه کوردی که در اوایل قرن شانزدهم ایجاد شده بودند، از میان رفتند. انحلال حکومت‌های کوردی که با وجود سرکوب‌های گاه‌وبی‌گاه از سوی دولت عثمانی در سه قرن پیشین، همچنان زیرساخت خود را حفظ کرده بودند، منتج از سیاست‌های تمرکزگرایی و غرب گرایی بود که توسط اصلاحات سلطان محمود دوم آغاز شد و توسط مصلحان بعدی عثمانی ادامه یافت: دولت‌مردان دوره تنظیمات؛ سلطان عبدالحمید دوم (۱۸۴۲-۱۹۱۸)، سلطان عثمانی از ۱۸۷۶ تا ۱۹۰۹؛ و ترکان جوان.

از زمان تولد تا فروپاشی پس از جنگ جهانی اول، امپراتوری عثمانی یک امپراتوری مبتنی بر کشاورزی بود. در طول قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، «چهار-پنجم» جمعیت عثمانی بر روی زمین زندگی و کار می‌کردند و، بخشی از معیشت خود را از خاک به دست می‌آوردند (الدعم، ۱۹۷۰: ۴۴). در امپراتوری که کشاورزی شکل غالب فعالیت اقتصادی بود، کنترل زمین به عنوان وسیله مهم تولید، به طور طبیعی می‌تواند یکی از اصلی‌ترین عوامل مؤثر بر روابط تولید، ساختار طبقاتی و سازوکارهای پیوند ساختارهای محلی با ساختارهای کلان‌تر به شمار رود. این مهم توضیح می‌دهد که چرا نقش و نفوذ اشراف و بزرگان کورد بر زمین‌های کشاورزی و مازاد تولید در کوردستان، معمولاً به عنوان یکی از متغیرها و محورهای اصلی پژوهش در تحقیقاتی که به بررسی تحولات اجتماعی-اقتصادی و سیاسی این منطقه می‌پردازند، مطرح می‌گردد.

پیش از تحلیل داده‌های مربوط به نظام ارضی، فعالیت‌های کشاورزی و تجارت در کوردستان - چنانکه یافته‌های مجموعه‌ای از مطالعات علمی (الدعم، ۱۹۷۰؛ پاموک، {۱۹۸۷} ۲۰۱۰؛ کوآتالرت، ۱۹۹۴؛ یادیرگی، ۲۰۱۷) که آمارهای رسمی موجود عثمانی را بررسی کرده‌اند، نشان می‌دهد، و آمارهای عثمانی در زمینه تجارت، زمین و کشاورزی برای قرن نوزدهم روشن می‌سازد - شایان ذکر است که اطلاعات محلی (عثمانی) کمی و آمارمحور در مورد این حوزه‌ها اندک و ناقص بوده است. به‌طور مرتبط، ارزیابی متعاقب کشاورزی در کوردستان قرن نوزدهم عمدتاً مبتنی بر داده‌های ارائه‌شده در گزارش‌های کنسولی است که توسط دیپلمات‌های بریتانیایی تهیه شده‌اند، و از دهه ۱۸۵۰ به بعد، به‌طور منظم از نقاط مختلف کوردستان گزارش می‌داده‌اند. داده‌های ثبت‌شده در گزارش‌های کنسولگری بریتانیا بسیار ارزشمند، و گاه تنها منبع اطلاعاتی برای درک نمودهای حوزه کشاورزی در کوردستان عثمانی قرن نوزدهم به شمار می‌آید. با این حال، اطلاعات این گزارش‌ها، به‌جای آنکه چونان بازتابی قطعی از الگوها یا روندهای کشاورزی در این منطقه تلقی شود، به‌عنوان شاخصی تقریبی از واقعیات این حوزه در نظر گرفته می‌شود.

سیاست‌های تمرکزگرایانه دولت عثمانی در خلال و پس از اوایل قرن نوزدهم، نه‌تنها موجب نابودی نهادهای اداری نیمه‌مستقل کوردی شد، بلکه منجر به مصادره اموال و زمین‌های زیادی گردید، که تا آن زمان عملاً دارای اشراف و بزرگان کورد بود. به نظر می‌رسد که مصادره اموال و وسیع از نخبگان زمین‌دار کورد، پیامدهای نامطلوبی برای بهره‌وری کشاورزی در کوردستان داشته، و سبب شد

این منطقه در چهار دهه بعدی، کمتر از تجاری سازی کشاورزی ناشی از بازار جهانی تأثیر پذیرد، که عمدتاً به دو عامل مرتبط بازمی گردد. نخست اینکه، پس از دهه ۱۸۳۰، بسیاری از این زمین های مصادره ای به دلیل بی توجهی دولت مرکزی، کشت نشدند و بایر ماندند؛ عامل دوم به ناتوانی دهقانان فقیر و تهیدست مربوط می شود؛ با فقدان حمایت دولتی، دهقانان قادر به تأمین ملزومات و نیازهای اداره املاک/مزارع کوچکی نبودند که در نتیجه توزیع بسیار محدود زمین در میان دهقانان خرد پس از ۱۸۳۰ به دست آورده بودند.

نخستین گزارش های کنسولی تهیه شده توسط ویلیام ریچارد هولمز (۱۸۲۲-۱۸۸۲)، کنسول بریتانیا در کوردستان عثمانی، در طول دهه ۱۸۵۰، تغییرات اخیرالذکر در مالکیت زمین را دنبال می کند و پیامدهای منفی سیاست های تمرکزگرایانه دولت مرکزی را بر کشاورزی این قلمرو عثمانی برجسته می سازد. تاریخ این گزارش ها، یعنی سال های ۱۸۵۷-۱۸۵۸، به ویژه مهم است، زیرا نزدیک به دو دهه پس از مصادره املاک وسیع، و در آستانه تصویب قانون ارضی ۱۸۵۸ قرار دارد. در سال ۱۸۵۷، در گزارش کنسولی درباره اوضاع کوردستان، کنسول هولمز که در آن زمان در استان دیاربکر مستقر بود، تغییرات پرمعنای ذیل را یادآور می شود:

«وضعیت دهقانان به طور کلی بسیار بد است، و به نظر می رسد به همین دلیل کاملاً قادر به کشت خود زمین ها نیستند. بنابراین، از افراد مرفه تر شهرها و روستاها پیش پرداخت پول می طلبند. ... به سختی می توان گفت که زمین در این پاشالیک {کوردستان} ارزشی دارد، زیرا بدون آبیاری مصنوعی، چیزی جز گندم و

جو که در پاییز یا اوایل بهار کاشته می‌شوند، تولید نمی‌شود. بیشتر، این سرزمین به‌طور گسترده آبیاری می‌شد و پوشیده از روستاها و کشتزارها بود، تحت امر و حکومت برخی خانواده‌های کورد بومی، که سال‌ها بر آن فرمانروایی کرده بودند

...

زمین در این پاشالیک یا متعلق به دولت است ... یا به کلیسا، یا به اشخاص خصوصی. زمینی که متعلق به دولت است، هنگامی به دست آمد که این سرزمین از خان‌های کورد گرفته شد، با مصادره دارایی‌هایشان. ... از میان این سه دسته زمین، مالکیت آزاد و شخصی همواره رونق بیشتری دارد ... در حالی که زمین‌های دولتی و کلیسا، به‌ویژه نوع اخیر (کلیسا)، پیوسته رو به زوال می‌روند.⁸

مضافاً که، یک پژوهش در مورد نظام مالکیت زمین در کوردستان در سال ۱۸۵۸، در آستانه قانون ارضی ۱۸۵۸، تغییراتی را که پس از دهه ۱۸۳۰ در این منطقه از امپراتوری رخ داده است، با این عبارات خلاصه می‌کند:

۱. انواع مختلف نظام مالکیت زمین کدامند و هر یک به چه نسبتی در منطقه شما مورد استفاده قرار می‌گیرند؟

حدود ۲۰ سال پیش، این بخش از کوردستان که پیش از آن، بیشتر به‌طور اسمی تا واقعی در دست دولت ترکیه بود، از خان‌های کورد گرفته شد و تمام زمین‌ها، به استثناء چند بخش محدود که مالکیت آن‌ها برای مالکان قدیم محرز و تأیید گردید، به مصادره دولت درآمد. از آن زمان، بخشی از آن زمین‌ها فروخته شده و به مالکیت آزاد اشخاص و به حالت خصوصی تبدیل شده است، بخش قابل‌توجهی به‌صورت اجاره‌های کوتاه‌مدت یک یا دو ساله واگذار شده، مقدار

زیادی به مالکیت کلیسا یا «وقف» درآمده، اما بخش اعظم همچنان در مالکیت دولت باقی مانده و بایر و کشت نشده است...

۳. وضعیت زمین‌های وقفی و سایر زمین‌های عمومی و مشاع در مقایسه با املاک شخصی چگونه است؟ هر فردی از مالکیت شخصی خود به بهترین نحو ممکن مراقبت می‌کند، اما زمین‌های وقفی و دولتی کاملاً مورد بی‌توجهی قرار می‌گیرند. ... در نتیجه، املاک خصوصی معمولاً در شرایطی بسیار بهتر از زمین‌های عمومی قرار دارند. ...

۱۱. آیا املاک بزرگ غالب هستند یا خرده‌املاک، و عواملی که بیشترین تأثیر را بر توزیع زمین دارند کدامند؟
خرده‌مالک‌ها غالب هستند.^۹

ارزیابی کنسول پالگریو از سیاست‌های تمرکزگرایانه اجرا شده در دوران تنظیمات برای کشاورزی نواحی و استان‌های آسیایی امپراتوری، همسو با ارزیابی کنسول هولمز است که بیشتر ترسیم شد. پالگریو معتقد است که در این دوران، در نتیجه چهار عامل اصلی - (۱) تقسیم املاک در مالکیت زمین؛ (۲) سنگینی بیش‌ازحد مالیات بر زمین و محصولات آن؛ (۳) غارت رسمی زمین توسط دولت برای پروژه‌های عمرانی بدون هیچ غرامتی برای مالکان؛ و (۴) «مصادره ۱۰ درصد ارزش زمین توسط دولت از هر مالک» که توسط قانون ارضی ۱۸۵۸ وضع شد^{۱۰} - کشاورزی این منطقه به‌طور کلی شدیداً آسیب دیده است:

«شرایط کشاورزی یا ارضی ترکیه شرقی پیش و پس از «تنظیمات» سلطان محمود دوم و عبدالمجید به شرح زیر است:

گرایش دوران پیشین، به سوی امنیت، ماندگاری و انباشت نظام زمین‌داری بود؛ گرایش دوران پسین، به سمت ناامنی، تغییر و ازهم‌پاشیدگی. گرایش دوران پیشین به سوی تشویق کشاورزی و افزایش ارزش زمین بود؛ گرایش دوران کنونی به سوی تضعیف اولی و کاهش ارزش دومی‌ست. قوت دوران پیشین در ماندگاری املاک بزرگ و شمار زیاد مستأجران بود؛ ضعف دوران پسین در تکثیر املاک کوچک و شمار زیاد مالکان است. ... در چنین وضعیتی، نمی‌توان انتظار هیچ پیشرفتی، اعم از اقتصادی، اجتماعی، اخلاقی یا فکری، از جمعیت کشاورز، چه مالکان و چه مستأجران داشت، و در حقیقت، هیچ پیشرفتی وجود ندارد؛ برعکس، هم کشت‌کاران و هم زمین در حال زوال هستند.»¹¹

با این حال، با نظر به اواخر قرن نوزدهم، به نظر می‌رسد افزایش قابل‌توجهی در تمرکز زمین تحت کنترل بخش‌هایی از اشراف و بزرگان کورد رخ داده است. به‌طور مشخص‌تر، چنانکه یافته‌های سرشماری کشاورزی عثمانی در سال ۱۹۰۹ نشان می‌دهد، آناتولی جنوب شرقی - یعنی دیاربکر، بتلیس و وان - از حیث نابرابری در توزیع اندازه مزارع در میان مناطق متمرکز و هسته‌ای جدول‌بندی‌شده¹² امپراتوری، در رتبه دوم پس از منطقه آدانا قرار داشت (پاموک، [۱۹۸۷] ۲۰۱۰: ۹۸) (جدول ۹).

جدول ۹: توزیع اندازه مزارع در حدود سال ۱۹۰۰ در مناطق متمرکز و هسته‌ای امپراتوری عثمانی

منطقه	زیر ۱۰	۱۰-۵۰	بالای ۵۰	میانگین (دونوم)
یونان شمالی و تراکیه	۴۰	۴۲	۱۸	۲۱
آناتولی غربی / مرمره	۳۱	۴۶	۲۳	۳۵
دریای سیاه شرقی	۴۳	۴۲	۱۵	۱۸
آدانا	۱۷	۳۶	۴۷	۷۷
آناتولی مرکزی	۲۳	۵۲	۲۵	۳۵
آناتولی شرقی - ردیف میانی	۴۱	۴۱	۱۸	۲۱
آناتولی شرقی - ردیف جنوبی	۲۳	۳۷	۴۰	۵۸

منبع: پاموک [۱۹۸۷] [۲۰۱۰: ۹۶]

این تغییر در توزیع و مالکیت زمین در ردیف جنوبی آناتولی شرقی، هم‌زمان با سیاست‌های اجراشده در دوره حمیدی {سلطان حمید} (۱۸۷۶-۱۹۰۹) است. در طول این دوره، نیروهای قبیله‌ای کورد در کوردستان عثمانی، در ساختار نظامی و سیاسی عثمانی جذب شدند، با هدف دوگانه تأمین امنیت نواحی مرزی شرقی در برابر تهدیدات واقعی و پنداشته‌شده از سوی روسیه و ایران، و ادغام کوردها در نظام دولتی عثمانی. بدین ترتیب، در داخل کوردستان عثمانی، حمیدیه به مجرای برای روابط قدرت بین سلطان و حاکمان کورد تبدیل شد و، به‌عنوان ابزاری برای قبایل جهت کسب نفوذ، و برای سلطان جهت گسترش حاکمیت شاهنشاهی بر این منطقه از امپراتوری عمل کرد. داده‌های اواخر قرن نوزدهم نشان می‌دهند که به‌ویژه پس از ایجاد سواره‌نظام حمیدیه (۱۸۹۱)، اشراف مذهبی و زمیندار کورد، با حمایت فعال دولت عثمانی، با استفاده از ابزارهای اقتصادی و فراتر از اقتصادی، به املاک وسیعی در کوردستان دست یافتند (عیسوی، ۱۹۸۰؛ یادیرگی، ۲۰۱۷).

جدول ۱۰: درآمدهای گمرکی جمع‌آوری شده توسط ویودالیک دیاربکر، ۱۷۹۷-۱۸۳۴ (به قروش)

سال	مبلغ
a ۱۷۹۸-۱۷۹۷	۹۷۴۹۰
b ۱۸۰۵-۱۸۰۴	۸۶۵۰۵
c ۱۸۰۶-۱۸۰۵	۷۲۲۴۸/۵
d ۱۸۲۳-۱۸۲۲	۸۶۳۸۸
e ۱۸۲۵-۱۸۲۴	۹۳۸۴۷
f ۱۸۳۴-۱۸۳۳	۳۶۱۹۹

منابع: a موزة دیاربکر، ثبت‌های شرعی دیاربکر، شماره ۳۵۱، صص ۷-۸ (۱۸۲۲-۳)، در ییلمازچلیک (۱۹۹۵: ۲۸۶). b آرشیو نخست‌وزیری، کامل کپچی، شماره ۵۱۳۲، صص ۱-۱۵۰ (۱۸۲۴-۵)، در ییلمازچلیک (۱۹۹۵: ۲۸۶). c همان؛ d موزة دیاربکر، ثبت‌های شرعی دیاربکر، شماره ۶۰۳، صص ۱۵ (۱۸۳۳-۴)، در ییلمازچلیک (۱۹۹۵: ۲۸۶). e آرشیو نخست‌وزیری، کامل کپچی، شماره ۵۱۳۲، صص ۱-۱۵۰ (۱۸۲۴-۵)، در ییلمازچلیک (۱۹۹۵: ۲۸۶). f موزة دیاربکر، ثبت‌های شرعی دیاربکر، شماره ۶۰۳، صص ۱۵ (۱۸۳۳-۴)، در ییلمازچلیک (۱۹۹۵: ۲۸۶).

داده‌های رسمی موجود در مورد واریزی‌های عوارض گمرکی جمع‌آوری شده توسط گمرک‌خانه دیاربکر^{۱۳} نشان می‌دهد که تا اوایل دهه ۱۸۳۰، مسیرهای تجاری واقع در کوردستان عثمانی به‌طور مکرر برای جابجایی کالاها مورد استفاده قرار می‌گرفتند (جدول ۱۰). اطلاعات مربوط به درآمدهای گمرکی دیاربکر، در نتیجه کارگسترده آرشیوی بر روی سوابق مالیات واکذاری (مقاطع) اداره مالی استانی، یا دیاربکر ویودالیکی، توسط ییلمازچلیک (۱۹۹۵) استخراج و آشکار شده است.

شایان ذکر است در اینجا حوزه قضایی استان دیاربکر در دوره ۱۷۸۰-۱۸۴۵، به‌گونه‌ای بود که سرزمین وسیعی را در بر می‌گرفت، در حدی که قاطبة سرزمین‌های کوردستان را که پس از ۱۵۱۴ در امپراتوری عثمانی ادغام شده بودند، شامل می‌شد (نگاه کنید به ییلمازچلیک، ۱۹۹۵: پیوست ۶). در دهه‌های نخست قرن نوزدهم، استان دیاربکر در محدوده قضایی خود، سرزمین‌های وسیعی، از

ملطیه تا موصل را در بر می گرفت. در طی سال‌های ۱۸۴۷-۱۸۶۷، چنانکه پیشتر اشاره شد، دیاربکر به ایالت کوردستان تغییر نام داد و شامل بخش‌هایی از استان‌های بتلیس و وان بود. در اواخر قرن نوزدهم، این استان از نظر وسعت چشمگیر باقی ماند، زیرا استان‌های زیر را در ترکیهٔ امروزی در بر می گرفت: باتمان، الازیغ، ماردین، سعرد، شانلی‌اورفا و شرناق. بنابراین، تا قرن بیستم، بخش عمدهٔ مسیرهای تجاری زمینی یادشده که در کوردستان عثمانی قرار داشتند، در محدودهٔ استانی دیاربکر واقع بودند که اهمیت سوابق درآمدهای گمرکی نگهداری‌شده توسط ویوُدهای این استان را برای درک تجارت به‌سوی کوردستان عثمانی و از آنجا، تبیین می‌کند.

کنسول بریتانیا در کوردستان، دیاربکر را چنین توصیف کرد: «تقریباً به‌فاصلهٔ مساوی از غرب به شرق بین پایتخت [استانبول] و بصره، و از شمال به جنوب بین ارزروم و حلب - [دیاربکر] به‌طور شگفت‌آوری برای یک انبار مرکزی بزرگ تجاری مناسب است.»^{۱۴} در طول قرن نوزدهم، طیف گسترده‌ای از بازرگانان از مکان‌های دیگر - وان، مناستیر، گوموشخانه، رقه - به دفعات و مکرراً از خان‌های مختلف دیاربکر بازدید کرده، و در آن‌ها اقامت می‌گرفتند (ییلمازچلیک، ۱۹۹۵: ۳۱۴-۱۵). خان‌های عثمانی^{۱۵} منبع ارزشمندی از اطلاعات برای حمل‌ونقل کالاها و بازرگانی - به‌ویژه برای شهرهای آناتولی که توسط مسیرهای تجاری زمینی به هم متصل بودند - فراهم می‌کنند، زیرا از قرن شانزدهم به بعد، در خان‌های بزرگ هر یک از مراکز تجاری شهری، بازرگانان مذاکراتی انجام می‌دادند که به تشکیل کاروان‌ها منجر می‌شد (فاروقی، ۱۹۸۴: ۵۱-۳). به‌دلیل قرارگرفتن در یک

نقطه عبوری مهم برای تجارت بین‌المللی و داخلی، دیاربکر - به همراه حلب، بورسا، ارزروم و توقات - یکی از معدود استان‌هایی بود که دارای مقاطع مالیاتی، شامل گمرک و سایر عوارض مرتبط با حمل‌ونقل بود. عوارض گمرکی، یا رسوم گمرک، بر کلیه کالاهای حمل‌شده به دیاربکر و از آنجا، مطابق با تعرفه‌های مختلف مندرج در دفتر تعرفه گمرک (گمرک تعرفه دفترلی) وضع می‌شد (پیلمازچلیک، ۱۹۹۵: ۲۸۸).

هنگامی که درآمدهای گمرکی در سال‌های ۱۸۳۳-۱۸۳۴ همراه با درآمدهای سه دهه پیشین مورد بررسی قرار می‌گیرند (جدول 11 را بنگرید)، آشکار می‌شود که در سال‌های نخست دهه ۱۸۳۰، کاهش چشمگیری رخ داده است. جزئیات تاریخی گسترده‌ای که در گزارش مربوط به ناحیه کنسولی بریتانیا در کوردستان در سال ۱۸۶۳، که تاکنون توسط تحقیقات موجود در مورد کوردستان عثمانی نادیده گرفته شده است، در مورد کوردستان عثمانی ارائه شده، نشان می‌دهد که کاهش قابل توجه در درآمدهای گمرکی در سال ۱۸۳۳-۳۴، نتیجه مستقیم لشکرکشی‌های نظامی رشید پاشا علیه امارت‌های کورد بود:

اگر چه بارها مورد غارت و چپاول ایرانیان، اعراب، سلجوقیان، تاتارها، صوفیان و ترکان [دیاربکر] قرار گرفته‌اند، اما به نظر می‌رسد که [دیاربکر] همواره - به‌زودی - ثروت و رونق خود را بازیافته است، چراکه تاریخ از محاصره‌ها و تصرفات متعدد آن، بدون ذکر غنائم عظیمی که به چنگ دشمن می‌افتاد، یاد می‌کند. در دوران مدرن‌تر، به نظر نمی‌رسد فعالیت‌های تجاری آن، به‌طور محسوسی کاهش یافته باشد، و من نمی‌توانم افول واقعی آن را به پیش‌تر از سی سال پیش، یعنی

بلافاصله پس از لشکرکشی موفقیت آمیز رشید پاشا در این مناطق، ردیابی کنم. اما از آن زمان به بعد، چنان که بازرگانان به من اطلاع می دهند، داد و ستد رو به زوال نهاده و، هر ساله زیان بارتر از سال قبل شده است.¹

جدول ۱۱: درآمدهای ویوالبی دیاربکر، ۱۷۹۷-۱۸۳۴ (به قروش)

سال	گمرک	بوياخانه	آرسا	احتساب	دامغا	سایر	جمع
۱۷۹۷- a۱۷۹۸	۹۷'۴۹۰	۳۵'۰۰۰	۳۴'۰۰۰	۸'۳۴۴	۳۳'۵۵۰	—	۲۰۸'۳۸۴
۱۸۰۴- b۱۸۰۵	۸۶'۵۰۵	۱۹'۷۲۶	۲۳'۱۵۳	۱۰'۷۴۲	۳۰'۰۷۸	۲۳'۱۲۱	۱۹۳'۳۲۵
۱۸۰۵- b۱۸۰۶	۷۲'۲۴۸/۵	۲۱'۹۴۶	۲۹'۸۶۸	۱۲'۰۰۰	۳۲'۵۱۹/۵	۱۲'۰۶۷/۵	۱۸۰'۷۹۸
۱۸۲۲- c۱۸۲۳	۸۶'۳۸۸	۳۱'۵۱۵	۳۷'۶۹۷	۴'۰۹۰	۸'۶۷۱	۳۰'۰۰۰	۱۹۸'۳۶۱
۱۸۲۴- d۱۸۲۵	۹۳'۸۴۷	۳۹'۸۷۲	۵۱'۱۹۸	۹'۶۱۳	۱۱'۸۵۴	۸'۹۵۶	۲۱۴'۴۴۰
۱۸۳۳- e۱۸۳۴	۳۶'۱۹۹	۸'۴۸۳	—	—	۱۰'۲۹۷	۷۴'۰۶۳	۱۲۹'۰۴۲

منابع: a آرشیو ریاست جمهوری ترکیه، دفتر اول محاسبه خزانه داری، شماره ۶۵۳۸، در بیلمازچک (۱۹۹۵): ۲۸۵؛ b آرشیو ریاست جمهوری ترکیه، دفتر اول محاسبه خزانه داری دیاربکر، شماره ۱۶۸۰۲ (۱۸۰۴-۵ و ۱۸۰۵-۶)، صص ۱-۱۰، در بیلمازچک (۱۹۹۵: ۲۸۵-۶). c. همان منبع؛ d موزه دیاربکر، دفتر سجلات شرعی دیاربکر، شماره ۳۵۱، صص ۷-۸ (۱۸۲۲-۳)، در بیلمازچک (۱۹۹۵: ۲۸۶)؛ e آرشیو ریاست جمهوری ترکیه، دفتر کلید محاسبات، شماره ۵۱۳۲، صص ۱-۱۵ (۱۸۲۴-۵)، در بیلمازچک (۱۹۹۵: ۲۸۶)؛ f موزه دیاربکر، دفتر سجلات شرعی دیاربکر، شماره ۶۰۳، ص ۱۵ (۱۸۳۳-۴)، در بیلمازچک (۱۹۹۵: ۲۸۶)

دیگر مقامات خارجی مستقر در کوردستان عثمانی در طول قرن نوزدهم نیز در ارتباط با پیامدهای منفی فعالیت های نظامی دولت عثمانی در این منطقه، مشاهدات مشابهی را ثبت کرده اند. در سال ۱۸۳۵، چند سال پس از آغاز لشکرکشی رشید پاشا، جیمز برانت، کنسول بریتانیا، دو نتیجه ویرانگر از حملات نظامی به دیاربکر را گزارش می دهد. نخستین مورد مربوط به ویرانی جمعیتی است: تعداد خانه های موجود در دیاربکر از «۴۰,۰۰۰ به ۸,۰۰۰» کاهش یافته است؛

و دومین فاجعه، مربوط به «خسارت شدید» وارد شده به تجارت دیاربکر است (برانت، ۱۸۳۶: ۲۰۹-۱۰). به طور متناظر، فیلد مارشال آلمانی، هلموت کارل برنهارد فون مولتکه (۱۸۰۰-۹۱)، که در ارتش عثمانی در کوردستان تحت فرمان حافظ‌پاشا شرکت داشت، مشاهدات متقارن و موازی‌ای را در مورد پیامدهای لشکرکشی‌های نظامی بر زندگی اجتماعی و اقتصادی در حصن کیفا و جزیره (جیزره) ثبت کرده است (فون مولتکه، ۱۹۶۸: ۲۵۱). اطلاعات فاش شده نه تنها اعتبار این فرضیه را که کوردستان تا اواخر قرن نوزدهم از تجارت محلی و خارجی منزوی بوده است به چالش می‌کشد، بلکه همچنین نشان می‌دهد که عملیات نظامی دولت عثمانی در کوردستان پس از اوایل دهه ۱۸۳۰، محدودیت‌های پُردامنه و بلندمدتی برای تجارت این منطقه ایجاد کرده است.

اگر چه شواهد کمی موجود در مورد تجارت کوردستان به هیچ وجه امکان درک و تحلیل کامل ماهیت و مقیاس فعالیت‌های تجاری در این حوزه را فراهم نمی‌کند، با این حال، ما را به دلایل معتبری برای تردید در ارزیابی‌های ایستای رایج در مورد تجارت این منطقه مجهز می‌کند. تنها داده‌های موجود و ثبت شده به طور منظم از فعالیت‌های تجاری در کوردستان برای نیمه اول قرن نوزدهم، حساب‌های مالیاتی اداره مالیات استانی یا ویودالیک دیاربکر است. همان گونه که فاروقی اشاره می‌کند، در غیاب سوابق منظم و دقیق در مورد حجم فعالیت‌های اقتصادی و تجارت، بهترین و معمولاً تنها راهنمای ما شامل سوابق مالیاتی است (فاروقی، ۱۹۸۴: ۱۶). با این حال، پس از سال ۱۸۳۹، به دلیل اصلاحات متمرکز دوران تنظیمات، سیستم مالیه دچار دگرگونی شد. در نتیجه، در دسترس بودن و کارایی

سوابق مالیاتی پس از دهه سوم قرن نوزدهم جای سؤال و شک دارد، به همین دلیل است که این بخش از نوشتار، فقط تا اواسط دهه ۱۸۳۰ از سوابق مالیاتی استفاده خواهد کرد.

همان‌طور که در بخش پیش ذکر شد، سالی که ماجراجویی نظامی رشیدپاشا در کوردستان عثمانی (۱۸۳۳-۳۴) آغاز شد، توسط معاصران چونان بزنگاه و نقطه‌ای شناسایی شد که از آن زمان، کاهش چنددهه‌ای - که ناظران معاصر تا دهه ۱۸۶۰ آن را شناسایی کردند و پذیرفتند - در فعالیت‌های تجاری این منطقه آغاز شد. این مشاهده توسط داده‌های به‌دست‌آمده از سوابق دفتر مالیات ایالت دیاربکر که پیش‌تر شرحش رفت، پشتیبانی می‌شود. یکی از اولین چیزهایی که وقتی به ارقام جدول 11 نگاه می‌کنیم، متوجه می‌شویم، کاهش عظیم در دهه ۱۸۳۰ در دومین منبع درآمدی مهم، خانه رنگ‌رزی (وُی‌وُدنشین: عوارض بویاخانه) از محل عوارض آن بود. این کاهش نشان‌دهنده تأثیر منفی عملیات نظامی بر تولید و تجارت منسوجات در این استان است. نکته آشکار دیگر این است که هیچ سابقه‌ای از عوارض زمین (آرسا) که از کالاهای خارجی نگهداری شده در انبارهای دیاربکر اخذ می‌شود، وجود ندارد. بر اساس تحقیقات آرشیوی ییلمازچلیک، این خلاء به این دلیل است که پس از اوان دهه ۱۸۳۰، این نوع مالیات با «سوابق موجود در گمرک [درآمدهای گمرکی]» ترکیب می‌شد یا «توسط مأموران وُی‌وُد» در آنجا یادداشت می‌شد (ییلمازچلیک، ۱۹۹۵: ۲۸۸). این تغییر در سوابق، کاهش شدید درآمدهای گمرکی و تجاری دیاربکر را بلافاصله پس از فعالیت‌های نظامی دولت عثمانی در کوردستان در اوایل دهه ۱۸۳۰ تأیید می‌کند. علاوه بر

این، درآمدهای حاصل از مالیات فروش (دامغا)، در مقایسه با ارقام سالهای ۱۷۹۷-۱۸۰۶، کاهش شدیدی را تجربه کرد. همزمانی این نوسانات منفی سبب شد که کل درآمد وی وودنشین، در مقایسه با درآمدهای سالهای منتخب در سه دهه پیشین، در سالهای ۱۸۳۳-۳۴ تقریباً نصفه کاهش یابد. پس از شانزده سال جنگ پراکنده در مناطق مختلف کوردستان، دولت عثمانی در سرکوب امارت‌ها و شورش‌های کورد موفق شده بود، اما با پیامدهای منفی عظیمی برای فعالیت‌های اقتصادی این منطقه.

داده‌های مربوط به فعالیت‌های تجاری در کوردستان در نیمه دوم قرن نوزدهم نشان می‌دهد که حد فاصل دهه‌های ۱۸۶۰ و اوایل ۱۸۷۰، با بازگشت امنیت نسبی به این حوزه، تجارت در این منطقه احیای تدریجی را تجربه کرد. بر اساس یافته‌های کوآتارت در اثر اصلی خود با عنوان «تولیدات نساجی عثمانی در عصر انقلاب صنعتی» می‌آموزیم که استفاده از نخ پنبه‌ای بریتانیا در صنعت تولید منسوجات استان دیاربکر به‌طور کلی «در دهه‌های ۱۸۶۰ و اواخر ۱۸۸۰ چهار یا پنج برابر شده بود، و [تا] اواسط دهه ۱۸۹۰ دو برابر شده بود» (کوآتارت، ۱۹۹۳: ۶۹). بر خلاف پیشنهادات مربوط به نابودی بخشی تولید در نیمه دوم قرن نوزدهم (بورکی، [۱۹۸۷] ۱۹۹۲؛ جعفر، ۱۹۷۶؛ پاموک، [۱۹۸۷] ۲۰۱۰؛ سونمز، [۱۹۹۰] ۱۹۹۲)، کوآتارت ثابت می‌کند که «تولید کل منسوجات پیرامون دیاربکر در سطح ۲۰۰,۰۰۰ قطعه بین دهه‌های ۱۸۶۰ و ۱۹۰۳ ثابت مانده است» (کوآتارت، ۱۹۹۳: ۷۰). بر این اساس، کوآتارت استدلال می‌کند که «علی‌رغم از دست‌دادن بازارهای بین‌المللی خود در قرن هجدهم... مرکز

تولیدی دیاربکر تا قرن نوزدهم به عنوان یکی از مهم ترین مراکز تولید منسوجات عثمانی باقی ماند» (کوآتار، ۱۹۹۳: ۶۶).

احیای تدریجی و پیشرفت تجارت در دیاربکر و ارزروم در طول دهه های ۱۸۶۰ و اوایل ۱۸۷۰، با رکود و پسرفت در نیمه دوم دهه ۱۸۷۰ دنبال شد. در کنار بحران مالی و ورشکستگی دولت در سال ۱۸۷۵ و قحطی در دهه ۱۸۸۰، جنگ روسیه و عثمانی (۱۸۷۷-۷۸) و قیام شیخ عبیدالله (۱۸۸۰)، هر دو که در مرزهای ارزروم و دیاربکر یا در مجاورت آنها رخ داد، تولید و تجارت را در این استان ها در فاصله تقریبی سال های ۱۸۷۵ تا ۱۸۹۰ به شدت متحمل آسیب کرد.

در سال ۱۸۸۶، جورج پولارد دیوی، کنسول موقت کوردستان، پیامدهای منفی بی ثباتی های سیاسی این منطقه را بر تولید و بازرگانی در کوردستان چنین توصیف کرد:

«برخی از صنایع به کلی از بین رفته اند، مانند صنعت شمشیرسازی و خنجرسازی. تولیدات پنبه ای، پشمی و ابریشمی بسیار کمتر از سال های گذشته است... شکی نیست که ضربه ای مهلک به تجارت و صنعت ارزروم [و] وارد شد، جنگ ۱۸۷۷-۷۸ بود که به دنبال آن سه سال قحطی آمد، و از آن زمان تاکنون این تجارت در پایین ترین سطح خود باقی مانده است.»^{۱۸}

توماس بویاجیان، کنسول بریتانیا در دیاربکر، در همان گزارش، مظاهر تیره و تاری را چنین بازگو می کند:

«در طول دوره ۱۸۸۰-۸۵، در مقایسه با ۱۵ سال پیشین، صادرات، به جز تریاک، کاهش یافته است. واردات از نظر حجم افزایش یافته، اما از نظر ارزش ۳۰ درصد کاهش یافته است... این شهر در سال‌های گذشته می‌توانست روی ۱۵۰۰ دستگاه بافندگی پنبه و ابریشم حساب کند و با دورافتاده‌ترین نقاط امپراتوری تجارت می‌کرد... ارزش ابریشم تولیدشده به‌تنهایی در سال ۱۸۶۵، ۳۵۰۰۰ پوند بود که تا سال ۱۸۸۴ به ۷۵۰۰ پوند رسید... در غیاب آمار تجارت سال‌های پیشین، من قادر به بیان دقیق تفاوت صادرات دوره ۱۸۸۰-۸۵ در مقایسه با ۱۵ سال پیشین نیستم، اما جدول زیر از یک یا دو قلم اصلی صادرات، برای اثبات این ادعا کافی خواهد بود:»

ارزش در ۱۸۶۰ (پوند) ارزش در ۱۸۸۴ (پوند)

موهر (کرک پشم) ۶۵,۴۵۰ ۱۴,۵۰۰

پشم ۲۳,۳۰۰ ۱۴,۲۰۰

مازو (گال) ۸,۰۰۰ ۱,۹۰۰

جمع ۹۶,۷۵۰ ۳۰,۶۰۰

منبع: P 1886, C.4715, XXI.231, p. 796^a&A

a. این جدول بخشی از متنی است که پیش‌تر ذکر شد و به نقل قول پایان می‌دهد.

اگر چه عدم وجود سوابق تجاری برای دیاربکر و ارزروم، تخمین ماهیتِ دقیقِ کاهش در صادرات را غیرممکن می‌سازد، با این حال، می‌توانیم با کنار هم قراردادنِ داده‌های تجاریِ اوایل دههٔ ۱۸۸۰، با داده‌های ارقام تجاریِ موجود در جداول ۱۲ و ۱۳ - وضعیتِ اسفناکِ اقتصادِ آناتولی شرقی - که پیشتر توسط کنسول‌های بریتانیا ذکر شد، بگوییم که این داده‌ها با آن گزارش هماهنگی دارد.

جدول ۱۲: واردات و صادرات ارزروم، ۱۸۷۱-۱۸۸۴ (به پوند استرلینگ)

سال	واردات	صادرات	مجموع
a ۱۸۷۱	۳۰۰'۰۰۰	b ۲۱۵'۰۰۰	۵۱۵'۰۰۰
c ۱۸۸۳	۳۵۶'۱۶۰	۸۳'۵۶۰	۴۳۹'۷۲۰
d ۱۸۸۴	۲۶۸'۵۷۰	۹۹'۰۷۰	۳۶۷'۶۴۰

منبع: ۱۸۷۲ P & A و ۱۸۸۴-۵. الف. ۱۸۷۲، P & A، ۶۳۷C، جلد LVIII، ص ۱۳۴۷. ب. ارقام صادرات فقط برای کالاهای صادرشده به اروپا و مناطق داخلی، به استثنای ایران و روسیه. ج. ۱۸۸۴، P & A، ۴۱۰۶C، جلد LXXXI، ص ۱۴۱۱. د. ۱۸۸۴-۵، P & A، ۴۵۲۶C، جلد LXXIX، ص ۱۹۲۹.

جدول ۱۳: واردات و صادرات دیاربکر، ۱۸۶۳-۱۸۸۴ (به پوند استرلینگ)

سال	واردات	صادرات	مجموع
a ۱۸۶۳	۱۸۷'۲۲۴	۳۲۵'۱۷۴	۵۱۲'۳۹۸
b ۱۸۸۳	۱۲۹'۸۵۰	۱۱۸'۱۵۰	۲۴۸'۰۰۰
c ۱۸۸۴	۱۳۲'۹۸۰	۱۰۸'۸۳۸	۲۴۱'۸۱۸

منبع: ۷۹۹/۱۹۵ FO، ۱۸۸۴ P & A و ۱۸۸۴-۵

الف. ۷۹۹/۱۹۵ FO، نامهٔ تابلور در دیاربکر، ۱۳ ژوئیه ۱۸۶۴، صص ۶۳، ۷۷، ۷۴، ۷۹؛ ب. P & A، ۱۸۸۴، ۴۱۰۶C، جلد LXXXI، ص ۱۴۱۱؛ ج. ۱۸۸۴-۵، P & A، ۴۵۲۶C، جلد LXXIX، ص ۱۹۴۰.

داده‌های کمی نسبتاً فراوان¹⁹ پس از سال ۱۸۹۰ در مورد تجارت کوردستان عثمانی، به‌طور منظم در گزارش‌های تجاری تهیه‌شده توسط کنسول‌های بریتانیا در دیاربکر و ارزروم منتقل می‌شد - که برخی از آن‌ها که در جدول بالا ذکر شده است - مشخص می‌کند که فعالیت‌های تجاری در این استان‌ها طی سال‌های ۱۸۹۰-۱۹۱۴ رشد و بهبودی چشمگیر را ثبت کرده است. به عبارت ملموس‌تر، استان‌های شاخص و نمونه کوردستان، یعنی دیاربکر و ارزروم، در سال ۱۹۱۳ در مقایسه با سال ۱۸۹۱، شاهد افزایشی نزدیک به چهار برابر در ارزش اسمی بودند (جدول 14 را ببینید).

جدول ۱۴. واردات و صادرات دیاربکر، ۱۸۹۱-۱۹۱۳ (به پوند استرلینگ)

سال	واردات	صادرات	جمع
۱۸۹۱a	۱۵۱'۱۸۴	۱۴۵'۲۸۲	۲۹۶'۴۶۶
۱۸۹۳b	۱۶۹'۸۸۵	۱۹۳'۳۳۸	۳۶۳'۲۲۳
۱۸۹۵c	۲۱۶'۶۳۶	۱۷۹'۱۸۱	۳۹۵'۸۱۷
۱۸۹۷d	۲۸۷'۰۰۰	۲۷۵'۰۰۰	۵۶۲'۰۰۰
۱۹۰۸e	۴۳۶'۵۶۰	۴۴۵'۰۴۹	۸۸۱'۶۰۹
۱۹۰۹f	۴۷۸'۵۰۰	۵۱۰'۰۰۰	۹۸۸'۵۰۰
۱۹۱۲g	۶۴۸'۰۰۰	۴۵۵'۴۰۰	۱'۱۰۳'۴۰۰
۱۹۱۳h	۶۹۳'۹۶۰	۵۰۳'۳۰۰	۱'۱۹۷'۲۶۰

منبع: (A&P⁸).

بر اساس جزئیات ارائه‌شده در گزارش‌های تجاری که پیش‌تر ذکر شد، به نظر می‌رسد که حدود ۴۰ درصد از کل اقلام صادراتی دیاربکر طی سال‌های ۱۸۹۰-

⁸ یادداشت‌ها: الف A&P، ۱۸۹۳-۴، ۶۸۵۵C-۱۲۹، جلد XII، ص ۸؛ ب A&P، ۱۸۹۵، ۷۵۸۱C، جلد XVI، ص ۳۹۲۷؛ ج A&P، ۱۸۹۷، ۸۲۷VC، جلد LXXXIX، صص ۴۲۰۰-۱؛ د A&P، ۱۸۹۸، ۸۶۴AC، جلد XCIV، ص ۳۹۷۴؛ ه A&P، ۱۹۱۱، ۵۴۶۵Cd، جلد XVII، ص ۱۸۷۷؛ و همان؛ ز A&P، ۱۹۱۴، ۱۸۷-۷۰۴ACd، جلد XCV، صص ۶-۱۲؛ ح. همان.

۱۹۱۳ شامل پشم، ابریشم، موهر (کرک پشم بز)، بلوط ولونیا و پوست‌هایی بوده که به کشورهای خارجی ارسال می‌شده است. مابقی صادرات، شامل محصولات صنعتی و تولیدات کشاورزی مانند کره، برنج، گوسفند و شتر بود، که به مناطق مختلف امپراتوری صادر می‌گردید. داده‌های تجاری مربوط به استان ارزروم در همان دوره نشان می‌دهد که بخش عمده کل تجارت، با مناطق داخلی بوده و شامل کالاهای کشاورزی و تولیدی مشابه با آنچه در دیاربکر بود، می‌شده است.

جدول ۱۵. واردات و صادرات ارزروم، ۱۸۹۱-۱۹۱۳ (به پوند استرلینگ)

سال	واردات	صادرات	مجموع
۱۸۹۱a	۲۹۴'۴۰۰	۲۰۲'۹۵۰	۴۹۷'۳۵۰
۱۸۹۲b	۲۳۰'۰۱۵	۲۰۹'۳۰۰	۴۳۹'۳۱۵
۱۸۹۳c	۲۳۱'۶۹۰	۱۶۴'۷۰۰	۳۹۶'۳۹۰
۱۸۹۴d	۱۹۴'۱۱۰	۱۵۷'۳۰۰	۳۵۱'۴۱۰
۱۸۹۷e	۲۱۴'۰۳۰	۱۶۷'۶۶۰	۳۸۱'۶۹۰
۱۹۱۲f	۶۳۹'۲۰۰	۳۰۳'۷۵۰	۹۴۲'۹۵۰
۱۹۱۳g	۶۵۰'۲۵۰	۳۶۰'۷۰۰	۱'۰۱۰'۹۵۰

منبع: A&P⁹

اگرچه سطح تجارت بین منطقه‌ای در کالاهای بومی در این استان‌ها متفاوت بود، اما با این حال، این تجارت جزء بسیار مهمی از فعالیت‌های تجاری استان‌های

⁹ یادداشت منابع: الف. P&A، ۱۸۹۳-۴، ۶۸۵۵C-۱۲۹، جلد XCII، صص ۳-۴.

ب. همان؛ ج. P&A، ۱۸۹۵، ۷۸۲۸-C.۷۵۸۱C، جلد XCVI، صص ۳۹۱۸-۴۰. P&A، ۱۸۹۷، ۸۲۷۷C،

جلد LXXXIX، صص ۴۱۹۹-۵. P&A، ۱۸۹۸، ۸۶۴۸C، جلد XCIV، صص ۳۹۷۱-۲. و. P&A، ۱۹۱۴P،

۷۰۴۸Cd-۱۸۷، جلد XCV، صص ۶-۱۲. ز. همان.

درون و اطرافِ کوردستانِ عثمانی در سال‌های ۱۸۹۰-۱۹۱۳ بود. کوآتارت با استنباط از داده‌های تجاری به‌دست‌آمده برای دیاریکر، خارپوت (خارپرد) و موصل - که همگی در اوایل قرن نوزدهم، بخش‌هایی از استان مرکزی دیاریکر بودند - طی دههٔ ۱۸۹۰ به این نتیجه‌گیریِ روشنگرانه دست می‌یابد:

«در برخی موارد، ارزش تجارت بین‌منطقه‌ای یک ناحیه در کالاهای عثمانی، بسیار فراتر از ارزش صادرات آن به کشورهای خارجی بود. در موصل، در برخی سال‌ها، این نسبت‌ها تقریباً سه به یک، و چهار به یک بود. در طول یک سال معمولی در دههٔ ۱۸۹۰، دیاریکر، خارپوت و موصل، با هم کالاهایی به ارزش بیش از یک میلیون پوند استرلینگ را به‌صورت بین‌منطقه‌ای ارسال می‌کردند... (کل صادرات عثمانی به خارج از کشور در طول دههٔ ۱۸۹۰ به‌طور متوسط ۱۸ میلیون پوند استرلینگ بود)» (کوآتارت، ۱۹۹۴: ۸۳۷).

همه داده‌های ارائه‌شده در اینجا، نشان‌دهندهٔ فضای پُرجنب‌وجوش و نوسانات مثبت در حوزه‌های تجارت و تولید در کوردستانِ عثمانی و مناطق هم‌مرز پس از سال ۱۸۹۰ است. علاوه بر این، برخلاف آنچه مفاهیم رایج و ایستا (و غالب) در مورد تجارت در کوردستان، بر اساسی اطلاعات و داده‌های موجود، و علی‌رغم نبود داده‌های طولی (کلیومتریک در بازه‌هایی طولانی از تاریخ) بیان می‌کنند، تصویری از جریان مستمر و سیال در تولید و بازرگانی کوردستان در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم ترسیم می‌شود.

تغییر شکل و توسعه‌زدایی در کوردستان

تغییرات ایدئولوژیک در میان نخبگان سیاسی اواخر دوره عثمانی به سمت پان‌ترکیسم یا ناسیونالیسم ترکی، هم‌زمان با آغاز جنگ جهانی اول، مستلزم یک فرآیند دیالکتیکی بود؛ که نه تنها شامل مهندسی اجتماعی ویرانگر و سیاست‌های اقتصادی علیه شهروندان غیر ترک امپراتوری می‌شد، بلکه بازسازی ملی‌گرایانه سرزمین‌های عثمانی را نیز در بر می‌گرفت. ۲۰ به عبارت دیگر، طی و بلافاصله پس از جنگ، سیاست‌های جمعیتی ملی‌گرایانه «حزب اتحاد و ترقی» (CUP) با هدف همگن‌سازی چشم‌انداز قومی-فرهنگی امپراتوری، که عمدتاً آرامنه و کوردها را در استان‌های شرقی ناهمگن قومی هدف قرار می‌داد، هم‌زمان با اصلاحات رادیکالی رخ داد که زمینه‌ساز سرمایه‌داری ترک و دولت-ملت واحد ترک شد که از خاکستر امپراتوری عثمانی برخاست.

پس از سال ۱۹۱۳، مهم‌تر از آن، «حزب اتحاد و ترقی» (CUP) مدل توسعه اقتصادی لیبرال انگلیسی مبتنی بر لیبرالیسم لسه‌فر (عدم دخالت دولت) را کنار گذاشت و شروع به پذیرش مدل اقتصادی «اقتصاد ملی» متمرکز بر ایده‌های فردریش لیست، اقتصاددان آلمانی کرد. این تغییر در سیاست به اتحادگرایان (اتحاد و ترقی) این امکان را داد که اصل کنترل دولتی بر اقتصاد را با رفتار ترجیحی نسبت به بورژوازی ترک/مسلمان ترکیب کنند.

به‌طور خلاصه، لیست استدلال کرد که نظریه‌های لیبرال اقتصاددانان بریتانیایی همچون آدام اسمیت و دیوید ریکاردو به دلیل اقتصاد صنعتی شده و سیاست‌های

امپریالیستی، مناسب منافع ملی انگلیس بود، اما مدل توسعه‌ای که این اقتصاددانان ترویج می‌کردند، نمی‌توانست جهانی‌سازی شود. به گفته لیست، اگر ایده‌های لیبرال لسه‌فر توسط کشورهای پذیرفته شود که صنایعی در مقیاس بزرگ مشابه انگلیس را ندارند، در نهایت به انگلستان وابسته خواهند شد (لیست، ۱۸۵۶).

یکی از نظریه‌پردازان برجسته «حزب اتحاد و ترقی» (CUP)، ضیا گوک‌آلپ، این نگرانی‌ها را در اوایل دهه ۱۹۲۰ به این صورت تفسیر کرد. گوک‌آلپ معتقد بود که «اقتصاد منچستر به هیچ‌وجه یک دکترین جهان‌وطنی نیست؛ بلکه اقتصاد ملی انگلیس است که از صنایع بزرگ حمایت می‌کند و در نتیجه، فقط از آزادی مبادلات خارجی بهره‌مند می‌شود و هیچ آسیبی از آن نمی‌بیند» (گوک‌آلپ، ۱۹۵۹: ۳۰۷). گوک‌آلپ با استنباط از این مقدمه، استدلال کرد که اگر کشورهای که پایگاه و مقیاس صنعتی مشابه انگلیس را ندارند، ایده‌های مکتب منچستر را اجرا کنند، ناگزیر «به برده‌های اقتصادی ملت‌های صنعتی شده‌ای مانند انگلیس تبدیل خواهند شد» (گوک‌آلپ، ۱۹۶۸: ۱۲۳).

به‌طور مرتبط، حزب اتحاد و ترقی (CUP) با هدف پرورش صنعت بومی، اقدامات اساسی اقتصادی را آغاز کرد (توپراک، ۱۹۸۲: ۲۵-۳۳). یکی از اهداف اصلی این سیاست‌ها، ایجاد بورژوازی ترک/مسلمان برای جایگزینی طبقه بازرگان غیرمسلمان/ترک موجود بود، که قرار بود نقش واسطه‌گر و میانجی تجاری را در امپراتوری ای ایفا کند که به‌عنوان بازاری برای صنعت اروپا عمل می‌کرد.

با این حال، پیامدهای جنگ جهانی اول و پروژه ساخت یک «اقتصاد ملی» که دستور کار (آجندا) ملی‌گرایانه ترکی را پنهان می‌کرد و در تاریخ عثمانی کاملاً بدیع بود، دو جنبه داشت. پاکسازی قومی، مهاجرت اجباری و تخریب و خردکردن اموال منقول و غیرمنقول به اجزای ویرانگر سیاست‌های اجرا شده در امپراتوری عثمانی در طول جنگ تبدیل شدند.

بر اساس یک مطالعه آرشیوی در مورد دستورات تبعید صادر شده توسط دولت حزب اتحاد و ترقی (CUP)، فئات دوندان تشخیص می‌دهد که تبعید ارامنه عثمانی از فوریه ۱۹۱۵ آغاز شده بود. گفته می‌شود که «مرحله پنجم و نهایی تبعیدها» پس از رهبری حزب، طلعت پاشا، در ۲۱ ژوئن ۱۹۱۵، دستور تبعید «همه ارامنه بدون استثنا» را صادر کرد که در ده استان مناطق شرقی و جنوب شرقی امپراتوری، از جمله دیاربکر، سیواس و معموره‌العزیز زندگی می‌کردند (دوندان، ۲۰۱۲: ۲۸۱-۳). ظرف یک سال یا کمی بیشتر پس از آغاز تبعید اجباری ارامنه از سرزمین‌های اجدادی خود، طبق گزارش یک کمیته فرعی حقوق بشر سازمان ملل متحد، «حداقل یک میلیون» ارمنی جان باختند (هوانیسیان، ۱۹۹۹: ۱۵).

حذف و متعاقب آن، نابودی ارامنه عثمانی پیامدهای اجتماعی و اقتصادی شدیدی داشت. ۲۱ پیش از سال ۱۹۱۶، «اقتصاد ملی» حزب اتحاد و ترقی (CUP) عمدتاً ارامنه و یونانیان امپراتوری را هدف قرار داد و، پس از سال ۱۹۱۶، کردها را. وزارت کشور عثمانی در یک بخشنامه مورخ ۲ نوامبر ۱۹۱۵، به وقوع «خلاء اقتصادی ناشی از جابجایی صنعتگران ارمنی» اعتراف کرد. ۲۲

پس از اخراج اجباری و قتل عام ارامنه، حزب اتحاد و ترقی (CUP) مجموعه‌ای از سیاست‌های تبعید اجباری را با هدف قراردادن کوردها طراحی و اجرا کرد. سیاست‌های اسکان حزب اتحاد و ترقی، از یک سو، شامل تبعید کوردها از سرزمین‌های خود برای اسکان مجدد در مرکز و غرب آناتولی طبق «قاعده ۵ درصد» بود؛ این قاعده تضمین می‌کرد که کوردها بیش از ۵ درصد از کل جمعیت در مکان‌های اسکان جدید خود را تشکیل ندهند. از سوی دیگر، مهاجران مسلمان، یا مهاجر، از سرزمین‌های از دست‌رفته، نظیر مسلمانان آلبانیایی، مسلمانان بوسنیایی و ترک‌های بلغاری، در شرق آناتولی ساکن شدند؛ جایی که به آن‌ها اجازه داده نمی‌شد بیش از ۱۰ درصد از جمعیت محلی را تشکیل دهند (آکچام، ۲۰۱۲: ۴۳-۵۰؛ یونگردن، ۲۰۰۷: ۱۷۸-۹).

داده‌های آماری تهیه‌شده توسط وزارت اقتصاد نشان می‌دهد که در این دوره «بیش از یک میلیون» پناهنده و تبعیدی کورد وجود داشته است (اونگور، ۲۰۱۱: ۱۱۷). با این حال، ارقام مربوط به تعداد واقعی تبعیدهای کورد وجود ندارد. با این حال، اجماع عمومی در مطالعات علمی در مورد این موضوع این است که تقریباً ۷۰۰.۰۰۰ کورد مجبور به ترک سرزمین‌های خود شدند، که حدود نیمی از آن‌ها پیش از رسیدن به مقصدهای مختلف خود، در راه جان باختند (جوایده، ۱۹۶۱: ۳۶۹؛ سفراستیان، ۱۹۴۸: ۷۶).

به‌طور کلی، تا پایان جنگ، اقتصاد عثمانی حدود ۵۰ درصد و تولید ناخالص داخلی (GDP) آن ۴۰ درصد کوچک‌تر شده بود. ویرانی ایجادشده در بخش‌های مختلف اقتصاد عثمانی به‌طور مختصر توسط ارقام زیر در مورد کاهش‌های

تجربه شده در طول جنگ خلاصه می شود: تولید مواد معدنی ۸۰ درصد، تولید زغال سنگ ۷۵ درصد، پارچه های پنبه ای ۵۰ درصد، تولید گندم ۴۰ درصد و پرورش گوسفند و بز ۴۰ درصد کاهش یافت (اونگور و پولاتل، ۲۰۱۱: ۹۴). زندگی برای جمعیت کوردستان عثمانی که از جنگ جان سالم به در برده بودند، به فلاکت و بدبختی مطلق و بیماری های باکتریایی مانند تیفوس و تیفوئید کاهش یافته بود. به دلیل ویرانی اقتصاد شرق در طول جنگ جهانی اول، قحطی ای که در اواخر سال ۱۹۱۷ آغاز شد، استان های شرقی و جنوب شرقی را شدیدتر از سایر نقاط امپراتوری تحت تأثیر قرار داد (مک داول، ۲۰۰۰: ۱۰۸-۹).

با اعلام جمهوری ترکیه (۲۹ اکتبر ۱۹۲۳)، اتحاد کوتاه مدت کمالیست ها و کوردها از هم پاشید. پس از آتش بس اکتبر ۱۹۲۳، ناسیونالیسم ترکی به ایدئولوژی رسمی و هژمونیک ترکیه تبدیل شد. استان های جنوب شرق آناتولی (ESA) در شمال کوردستان، تنها مناطقی در ترکیه بودند که در زمان تأسیس جمهوری ترکیه، ترک سازی نشده بودند؛ بنابراین، در دیدگاه حاکمان کمالیست، این مناطق، مناطقی بودند که خطرات جدایی طلبی بالقوه در آنها وجود داشت. خطر خودگردانی کوردها که توسط حاکمان جمهوری خواه درک می شد، سیاست های تبعیض آمیز در قبال کوردها را در طول دوره تک حزبی به همراه داشت، که منجر به غفلت و محرومیت زدایی بیشینه از این مناطق عمدتاً کوردستان دولت-ملت جدید ترکیه شد؛ موضوعی که بعداً بررسی می گردد. این امر شاید توضیح دهد که چرا تغییر در نگرش کمالیست ها نسبت به کوردها با کنفرانس لوزان، که در دو

جلسه، از ۲۰ نوامبر ۱۹۲۲ تا ۴ فوریه ۱۹۲۳ و سپس از ۲۳ آوریل تا ۲۴ جولای ۱۹۲۳ برگزار شد، هم‌پوشانی داشت.

تغییر عمده در سیاست در قبال کوردها در کنگره اقتصاد از میر (۱۷ فوریه - ۴ مارس ۱۹۲۳) رخ داد. این کنگره در فاصله میان مذاکرات کنفرانس لوزان با حضور 1.135 نماینده (اینان، ۱۹۷۲: ۱۲) تشکیل شد، که عمدتاً از طبقات مسلط و بالاسری، یعنی زمین‌داران بزرگ و بورژوازیِ بازرگان، و همچنین از طبقات کارگر بودند (بوراتاو، ۱۹۸۲: ۱۴-۱۸). زمانی که سخنرانی مصطفی کمال^{۲۳} در این کنگره منتشر شد، تمام ارجاعات و اشاره‌ها به کوردها حذف شده بود (مک‌داول، ۲۰۰۰: ۱۹۱)، که این امر دلالت بر تغییری اساسی در سیاست‌های آنکارا نسبت به کوردهای ترکیه داشت.

چنین تغییری مغایر با اهداف و اصول کنگره اقتصاد ۱۹۲۳ نبود، زیرا این کنگره به تثبیت پایه‌های «اقتصاد ملی» ترکیه که توسط «حزب اتحاد و ترقی» (CUP) در طول جنگ جهانی اول تصور و تدوین شده بود، به عنوان استراتژی اساسی دولت-ملت جدید ترکیه پرداخت. اصول اتخاذشده در «کنگره اقتصاد از میر» مربوط به آماده‌سازی یک رژیم مالکیت، یک ساختار نهادی مورد نیاز برای پیاده‌سازی یک اقتصاد بازار مدرن و مشوق‌های ویژه‌ای بود که برای بهره‌وری و توسعه غالب بورژوازی بومی طراحی شده بودند (بوراتاو، ۱۹۸۲؛ توپراک، ۱۹۸۲؛ یالمان، ۲۰۰۹).

پس از این کنگره و در سراسر دوران جمهوری خواهی، یکی از اهداف مرکزی کمالیست‌ها، به اعتبار و تعبیر یک گزارش رسمی از دبیرخانه عمومی حزب جمهوری خواه خلق در سال ۱۹۳۹-۴۰، «از هم پاشیدن وحدت سرزمینی کوردها» و «ترک‌سازی جمعیت شرق» بود (بولوت، ۱۹۹۸: ۹-۱۸۵). کمالیست‌ها به دنبال تحکیم تراکم و قدرت گروه قومی غالب، یعنی ترک‌ها، به قیمت از دست دادن کوردهای منطقه جنوب شرق آناتولی (ESA) بودند و، پیش‌بینی می‌کردند که این گروه اخیر به تدریج منقرض خواهد شد یا به یک موجودیت قومی بی‌قدرت بدل خواهد گشت. سنگ‌های بنای این استراتژی سه‌گانه بود: (الف) تبعید اجباری کوردها از سرزمین‌های اجدادی‌شان؛ (ب) همگون‌سازی (آسیمیلاسیون) کوردها در هویت ترکی؛ و (ج) توسعه نیافتگی مناطق که عمدتاً سکونت‌گاه کوردها بود.

هدف حاکمان جمهوری خواه مبنی بر «ترک‌سازی» استان‌های شرقی ناهمگون و به تبع آن، امحای هویت کوردی و تبدیل کوردها به یک موجودیت ضعیف، نقشی تعیین‌کننده در ایجاد فضای آشفته در جنوب شرقی عمدتاً کوردنشین ترکیه در سال‌های اولیه جمهوری ترکیه داشت. در طول دو دهه اول جمهوری، بیست و هفت شورش کوردی رخ داد، و از هجده لشکرکشی نظامی ترکیه در سال‌های ۱۹۲۴-۳۸، تنها یکی از آن‌ها خارج از کوردستان انجام گرفت. سه مورد از این شورش‌ها، یعنی شورش شیخ سعید (۱۹۲۵)، شورش آزارات (۱۹۳۰) و شورش درسیم (۱۹۳۶-۳۸)، تأثیر مشخصی بر تکامل رژیم حزب جمهوری خواه خلق (CHP) و سیاست کوردی آن داشت.

به دنبال شورش شیخ سعید، آتاتورک در ۸ سپتامبر ۱۹۲۵، تأسیس شورای اصلاحات برای شرق (شرق اصلاحات انجمنی) را به جهت تدوین پیشنهادهای سیاستی ملموس برای مواجهه و برخورد یک‌باره، و برای همیشه با هرگونه تهدید جدایی‌طلبانه احتمالی از سوی جامعه کورد، مجاز دانست. بر این اساس، در ۲۴ سپتامبر ۱۹۲۵، یک گزارش ویژه با عنوان «گزارش اصلاحات در شرق» (شرق اصلاحات لاپورو) به مجلس ترکیه ارائه شد. این گزارش مخفی که در نتیجه مجموعه‌ای از گزارش‌های رسمی منتشرشده توسط مهمت بایراک (۱۹۹۳)، ۱۹۹۴) در دهه ۱۹۹۰ به انتشار رسید، توصیه‌های انتقادی زیر را ارائه کرد:

۱. جلوگیری از احیای نخبگان سیاسی و اجتماعی کورد در قامت یک طبقه حاکم؛
۲. پاک‌سازی افراد، خانواده‌ها و خویشاوندان آن‌هایی که اقامتشان «در شرق»، از سوی دولت «نامناسب» تلقی می‌شود؛
۳. متحدکردن و اداره تمام استان‌های واقع در کرانه شرقی رود فرات توسط واحد اداری نظامی «بازرسان کل» تحت حکومت نظامی برای یک دوره زمانی نامشخص؛
۴. منع قاطع استفاده از «تمام زبان‌های غیرترکی» و «استخدام کوردها در مناصب فرعی»؛
۵. اختصاص ۷ میلیون لیر ترکیه (TL) برای تأمین مالی اسکان و معیشت پناهندگان ترک و نیز جابجایی کوردها (بایراک، ۱۹۹۳: ۴۸۱-۹).

در نتیجه، مجموعه‌ای از «قوانین تبعید» حد فاصل سال‌های ۱۹۲۵ و ۱۹۲۷ اجرا شد، که توصیه‌های این گزارش را عملیاتی می‌کرد. این قوانین شبیه به

دستورات اخراج سال‌های ۱۹۱۵-۱۶ بودند. به تعبیر سفیر بریتانیا، سر جورج کلرک، این قوانین دولت را قوی‌تر ساخت تا جابجایی‌های وسیعی را از ولایات شرقی انجام دهد، و تعداد نامشخصی از کوردها یا عناصر دیگری را جاگن کند... دولتی که پیش‌تر آغاز به اعمال آن قوانین بر عناصر کورد کرده بود... سیاستی که در سال ۱۹۱۵ با موفقیت، اقلیت ارمنی را از بین برد. ۲۴ علی‌رغم فقدان داده‌های واقعی، طبق ارقامی که نویسندگان معاصر کورد ذکر کرده‌اند، از سال ۱۹۲۵ تا ۱۹۲۸ بیش از ۵۰۰,۰۰۰ نفر تبعید شدند که تخمین زده می‌شود ۲۰۰,۰۰۰ نفر از آن‌ها در استان‌های مذکور جان باخته‌اند (بدرخان، ۱۹۵۸: ۵۲-۳).

شورش ۱۹۲۵ نه‌تنها یک کاتالیزور برای سرکوب جنبش ملی کوردها بود، بلکه منجر به اجرای یک قانون فوق‌العاده به نام «قانون تأمین نظم» (تکریری سکون قانون) در ۴ مارس ۱۹۲۵ شد، که تا مارس ۱۹۲۹ به قوت خود باقی ماند. قانون تأمین نظم، پایان تکررگرای سیاسی و مطبوعات آزاد در ترکیه را رقم زد.

«قانون تأمین نظم» به دولت این قدرت را داد تا طیف وسیعی از قوانین را به‌منظور دستیابی به یک دگرگونی از بالا به پایین در جامعه، طبق الگوی غربی وضع کند، که کمالیست‌ها آن را به‌عنوان الگوی جهانی تمدن و پیشرفت، و همچنین پیش‌شرطی برای پیشرفت اقتصادی می‌دانستند. اثرات مستقیم و غیرمستقیم این قوانین جدید اغلب در ادبیات سال‌های اولیه جمهوری ترکیه به‌عنوان محرک‌های مدرنیزاسیون و توسعه سرمایه‌داری در ترکیه ذکر شده است (احمد، ۱۹۹۳؛ آیدین، ۱۹۸۶؛ هرشلگ، ۱۹۶۸؛ عیسوی، ۱۹۸۰).

بین سال‌های ۱۹۲۳ و ۱۹۲۹، اقتصاد ترکیه بهبود یافت و تا سال ۱۹۲۹، به نظر می‌رسید سطح پیش از جنگ خود را باز یافته است. برای مثال، تولید ناخالص داخلی سرانه در سال ۱۹۲۳، ۴۰ درصد کمتر از سطح سال ۱۹۱۴ بود، اما تا پایان دهه ۱۹۲۰، به سطوح قبل از جنگ جهانی اول رسیده بود (پاموک، ۲۰۰۸: ۲۷۶-۷). علاوه بر این، همان‌طور که در جدول ۱۶ نشان داده شده است، در مقایسه با سطوح پیش از جنگ عثمانی، پیشرفت‌های قابل‌توجهی در زمینه آموزش و حمل‌ونقل صورت گرفته بود.

با این حال، ESA²⁵ (بیازیت، بتلیس، دیاربکر، الازیغ، ارزینجان، حکاری، قارص، مالاتیا، ماردین، سیرت، اورفا و وان)، که در سال ۱۹۲۷، کمی بیش از یک پنجم (۱۴.۶ درصد) از جمعیت عمومی ترکیه (۲۷۵,۶۶۰,۱۳) بودند، همگام با بقیه کشور توسعه نیافتند و رشد نکردند. این مناطق کمترین تأثیر را از بهبودی پس از جنگ که در جمهوری ترکیه بین سال‌های ۱۹۲۳ و ۱۹۲۹ شاهد آن بودیم، دریافت کردند. علی‌رغم پروژه‌های زیرساختی حمل‌ونقل مذکور، تا سال ۱۹۳۰ هیچ راه‌آهنی در این استان‌ها ساخته نشد.²⁷ در سال ۱۹۲۷، تنها ۹۰۰ مدرسه از ۱۴,۰۰۰ مدرسه ترکیه در این حوزه‌ها قرار داشت.²⁸ علاوه بر این، تا سال ۱۹۳۰ در کل ESA تنها یک بانک وجود داشت، یعنی بانک الازیغ (Elaziz İktisat Bankası) که در سال ۱۹۲۹ تأسیس شده بود و سرمایه اسمی ۵۰,۰۰۰ لیر ترکیه داشت.²⁹ بنابراین، اخذ وام عملاً غیرممکن بود.

جدول ۱۶. شاخص‌های توسعه، ۱۹۱۳-۱۹۲۸

۱۹۲۸	۱۹۲۳	۱۹۱۳	شاخص
۱۳/۸	۱۳	۱۷	جمعیت (میلیون نفر)
۲۰۲	۱۳۷	۱۷۹	تجارت خارجی (میلیون دلار)
۳۳۰	۲۵۴	—	تولید ناخالص داخلی سرانه (لیر ترکیه ۱۹۴۰)
۲'۲۵۴	۱'۵۲۲	—	تولید کشاورزی (میلیون لیر ترکیه ۱۹۴۰)
۶۶۲	۴۲۱	—	تولید صنعتی (میلیون لیر ترکیه ۱۹۴۸)
۱/۹	۱/۰	۳/۴	گندم (میلیون تن)
۵۰	۴۵	۴۹	تنباکو (هزار تن)
۵۱	۴۴	۳۰	پنبه (هزار تن)
۱/۳	۰/۶	۰/۸	زغال سنگ (میلیون تن)
۴/۳	—	—	شکر تصفیه شده (هزار تن)
۵۹	—	—	سیمان (هزار تن)
۹۰	۴۰	۲۰	برق (میلیون کیلووات ساعت)
۴/۸	۴/۱	۳/۶	راه آهن (هزار کیلومتر)
۵۱۷	۳۵۹	—	دانش آموزان در مدارس (هزار نفر)

منبع: عیسوی (۱۹۸۰: ۳۶۸)

بر اساس داده‌های رسمی سال ۱۹۲۷، در مقایسه با ۹ ناحیه تعیین شده کشاورزی در ترکیه، که هر کدام، از پنج استان تشکیل شده بودند، نواحی موجود در ESA، یعنی نواحی پنجم و ششم، حاوی کمترین میزان ادوات و ماشین‌آلات کشاورزی بودند. تنها ۱۱۹,۶۶۵ قطعه از مجموع ۱,۴۱۳,۵۰۹ قطعه ادوات و ماشین‌آلات کشاورزی لازم، در استان‌های واقع در این مناطق یافت می‌شد.^{۳۰}

اگر چه هیچ آمار رسمی تجارت منطقه‌ای برای استناد وجود ندارد، گزارش زیر از کنسول بریتانیا در ترابزون در ژوئن ۱۹۲۶ نشان می‌دهد که تجارت در استان‌های کوردستان در اواسط دهه ۱۹۲۰، سایه‌ای از آنچه در طول

جنگ جهانی اول بود، به شمار می‌رفت: «مسافران گزارش می‌دهند که گروه‌های بزرگی از کوردها را با خانواده‌ها و احشام خود دیده‌اند، که در جاده ارزروم-ارزینجان حرکت می‌کردند، ظاهراً به مقصد آنکارا و غرب آناتولی. تمامی روستاها متروکه شده‌اند و تجارت در منطقه‌ای وسیع متوقف شده است.»³¹

علاوه بر این، سیاست تبعید نخبگان سیاسی و اقتصادی کورد، بر تجارت و ایجاد ثروت در این منطقه از ترکیه تأثیر منفی گذاشت، چنان‌که مشاهده زیر توسط یک گردشگر بریتانیایی در تابستان ۱۹۲۹ آشکار می‌کند: «یکی از سلاح‌های اصلی به کار گرفته شده، تبعید خانواده‌های ثروتمند و قدرتمند کورد بود... در این فرآیند، آن‌ها تمام دارایی‌های خود را از دست داده‌اند و چنان‌که به من گفته شد، امروزه هیچ کورد ثروتمند یا قدرتمندی در کوردستان ترکیه وجود ندارد.»³²

نتیجه‌گیری

هر چند علل و دلایل زمینه‌ای متفاوت است، اما ادبیات توسعه در مورد کوردستان، به این فرضیه همگرا و متصل می‌شود که یک پیوستار خطی توسعه‌نیافتگی، تاریخ اقتصادی آن را مشخص کرده است. یافته‌های این مقاله، این تفسیر رایج را به چالش می‌کشد. تحلیل فرازونشیب‌های کوردستان طی چهار

قرن گذشته، که در بخش‌های پیشین این نوشتار ترسیم شد، تصویری غیرراکد از زندگی اقتصادی در این حوزه به دست می‌دهد.

با توجه به اطلاعات ارائه‌شده، هنگامی که تغییرات چهار قرن گذشته در نظر گرفته شود، یک دوره‌بندی جدید برای تاریخ اقتصادی این مناطق پدیدار می‌شود. این دوره‌بندی، دیگر بر یک پیوستار خطی از توسعه ناکافی متمرکز نیست، بلکه سه دوره متمایز وجود دارد: **نخستین** آن‌ها از اوایل قرن شانزدهم آغاز می‌شود و با ورود دهه سوم قرن نوزدهم به پایان می‌رسد، که با توسعه اقتصادی مشخص می‌شود؛ **دوره دوم** حدوداً از سال ۱۸۳۰ تا ربع اول قرن بیستم آغاز می‌شود و مضمون اصلی این دوره، توسعه‌نیافتگی اقتصادی است؛ **دوره پایانی**، عصر توسعه‌زدایی اقتصادی‌ست، که از حدود ربع اول قرن بیستم آغاز می‌شود.

بین اوایل قرن شانزدهم و اوایل قرن نوزدهم، کوردستان منطقه‌ای از نظر اقتصادی در حال شکوفایی بود و منابع درآمدی مهمی را برای خزانه‌داری مرکزی عثمانی تأمین می‌کرد. پرورش و تجارت گوسفند، تولید و تجارت منسوجات، تولید و معدن‌کاوی مواد معدنی، و همچنین تجارت بین‌المللی و بین‌منطقه‌ای که از طریق کوردستان انجام می‌شد، نقش مهمی در گسترش اقتصادی این مناطق ایفا می‌کرد. تا اوایل قرن نوزدهم، درآمدهای حاصل از این بخش‌های اقتصاد محلی، بخش عمده‌ای از درآمدهای استانی دیاربکر و ارزروم را تشکیل می‌داد.

سیاست‌های سلطه‌جویانه دولت عثمانی پس از دهه سوم قرن نوزدهم، مانع اصلی گسترش تجارت و صادرات را با مهار توسعه تولیدات کشاورزی

صادرات محور در کوردستانِ عثمانی ایجاد کرد. به بیان دیگر، توسعه نیافتگی اقتصادی در کوردستانِ عثمانی پس از دهه ۱۸۳۰، مستقیماً با موانع نفوذ تجاری سازی ناشی از بازار در این منطقه مرتبط بود، که ارتباط نزدیکی با پیامدهای منفی سیاست های تمرکزگرایی مقامات مرکزی عثمانی در تولیدات کشاورزی منطقه ای داشت.

پس از اوایل دهه ۱۸۳۰، مقامات مرکزی تقریباً تمام زمین های را که پیش تر در تملک و کشت بزرگان کورد بود، مصادره کردند و مهم تر از آن، وسعت زیادی از این زمین های تملک شده برای مدت طولانی پس از تصرف، کشت نشده باقی ماندند. سه دهه پس از آن که این زمین ها از بزرگان کورد گرفته شد، بخش اعظم زمین های مصادره شده یا رها شده بودند، یا به طور بهره ورانه توسط دولت عثمانی به دهقانان واگذار نشده بودند. چنان که توسط داده های کمی فوق نیز تأیید شده است، چنین استفاده نادرستی از زمین، همراه با سه دهه خشونت پراکنده در این منطقه، پیامدهای نامبارکی برای تولیدات کشاورزی و تجارت داشت، و فقر روستایی کارگران کشاورزی را که پیش تر در این زمین ها کار می کردند، بیشینه ساخت. به طور خلاصه، نابودی حکومت های خودمختار کورد و افول توسعه اقتصادی در این منطقه، به موازات هم پیش رفتند.

سیاست های مداخله جویانه دولت عثمانی در کوردستان پس از دهه ۱۸۳۰، تغییرات عمده اجتماعی و سیاسی را در این منطقه مرزی عثمانی ایجاد کرد. بخش بزرگی از خانواده های سرشناس کورد و نخبگان بازرگان، چه به طور داوطلبانه، و چه به اجبار، در غرب آناتولی، به ویژه در قسطنطنیه، دور از کوردستان، در طول

دورهٔ تنظیمات و سال‌های آغازین قرن بیستم ساکن شدند و در آنجا، به‌طور فزاینده‌ای در دولت، زیان و گفتمان عثمانی ادغام گشتند. این فرآیند با مشارکت مهاجرانِ کوردها در حزب اتحاد و ترقی (CUP) و حمایت آن‌ها از انقلاب ترکان جوان در سال ۱۹۰۸ بروز یافت.

به‌طور مرتبط، ریشه‌کشی ساختارهای اداری کوردستان در کوردستان، با ایجاد خلأ قدرت، شرایط مساعدی را برای تقویت چارچوب‌های قبیله‌ای فراهم کرد و فتودال‌سازی جامعهٔ کورد را تعمیق ساخت. تصادفی نیست که با از بین رفتن امارت‌های کورد، کنفدراسیون‌های قبیله‌ای از آن پس نقش اصلی را در جامعه و سیاست کوردستان ایفا کردند. در نتیجه، در تعداد اختلافاتِ قبیله‌ای افزایش قابل‌توجهی رخ داد، که منجر به کاهش قانون و نظم، به‌ویژه در مناطق روستایی کوردستان شد. بنابراین، سیاست‌های مدرنیزاسیونِ متمرکزِ اجراشده در کوردستانِ عثمانی پس از دههٔ ۱۸۳۰، علاوه بر پیامدهای مخرب بر ابزارهای تولید و روابط تولید در این منطقه، به‌طور متناقضی، فتودال‌سازی و تجزیهٔ جامعه را افزایش داد. هم‌زمانی این عوامل، توسعه‌نیافتگی اجتماعی-اقتصادی را در این منطقه به وجود آورد.

تأثیر تحولات سیاسی بر زندگی اقتصادی و اجتماعی در کوردستانِ عثمانی قرن نوزدهم که پیش‌تر خلاصه شد، همچنین نشان می‌دهد که توسعه‌نیافتگی در این منطقه را نمی‌توان به‌طور کافی با «انزوا»ی کوردستان از تغییراتِ دگرگون‌کنندهٔ ناشی از نفوذِ فزایندهٔ سرمایه‌داری به امپراتوری عثمانی در طول قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم توضیح داد. به‌دلیل نبود راه‌آهن و زیرساخت‌های حمل‌ونقل

کارآمد در کوردستان، معمولاً این فرضیه مطرح می‌شود که این منطقه، بیش از هر بخش دیگر امپراتوری، از تغییرات ناشی از نفوذ نظام سرمایه‌داری در طول قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم منزوی بوده است و به دور. انزوای کوردستان عثمانی از بازارهای عثمانی و اروپایی اغلب به عنوان شاهد مثال این پدیده مطرح می‌شود.

همان‌گونه که یافته‌های این مقاله آشکار می‌کند، تا اوایل دهه ۱۸۳۰، فعالیت تجاری در کوردستان به همان اندازه اواخر قرن هجدهم پُر جنب و جوش بود. در سال‌های ۱۸۳۳-۶۰، تجارت این منطقه دچار کاهش سریع شد. از حدود سال ۱۸۶۰ تا قبل از شروع جنگ روسیه و عثمانی در سال‌های ۱۸۷۷-۷۸، حتی با وجود موانع حمل و نقل، با بازگشت امنیت نسبی به منطقه، تجارت از کوردستان و به کوردستان بهبود یافت. بین سال‌های ۱۸۹۰ و آغاز جنگ جهانی اول، تجارت بین منطقه‌ای و درون منطقه‌ای، به جایگاه جدید و مهمی رسید.

این تحولات در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم با دوره حمیدی (۱۸۷۶-۱۹۰۸) هم‌زمان بود. در این دوران، نخبگان قبیله‌ای کورد (عمدتاً سنی) که از نظر سیاسی هم‌سو شده بودند، مانند میلی ابراهیم پاشا (رئیس کنفدراسیون میلان)، با ابزارهای اقتصادی و فراقانونی که عمده‌تاً توسط دولت عثمانی تعیین شده بود، ثروت زمینی عظیمی را انباشت، پیوندهای ارباب-رعیت را احیا کرد و هدفش به حداقل رساندن شانس‌های اقتصادی جامعه مسیحی در کوردستان عثمانی بود. چنین عواملی نه تنها امکان و زمینه رشد و سالارشدگی نخبگان سیاسی کورد را فراهم آورد، بلکه با امکان پذیر ساختن مالکیت خصوصی املاک بزرگ و تسریع بهره‌کشی از دهقانان وابسته، شرایط مساعدی را برای تولید کالایی و جهت‌گیری صادراتی

در اقتصاد محلی ایجاد کرد. با این حال، رشد اقتصاد محلی نه نشانه‌ای از تغییر ساختاری بود، و نه ماندگاری بلندمدت داشت. به عبارت دیگر، گسترش تجارت با دگرگونی روابط تولید همراه نبود، زیرا مبتنی بر ریاخواری و اخذ اجاره‌بها از تولیدکنندگان مستقیم بود. ترکیب وقوع جنگ جهانی اول و سیاست‌های مخرب جمعیتی، تأثیر مخربی بر تمام رشد و جهش‌های اقتصادی پیش‌تر ثبت‌شده در این منطقه داشت.

حاکمان کورد یکپارچه‌شده از نظر سیاسی، نه خودمختار بودند، و نه از دولت مرکزی درخواست خودمختاری می‌کردند، زیرا ماهیت و حفظ قدرت و ثروت آن‌ها بر پایه حمایت‌های ارائه‌شده توسط دولت عثمانی استوار بود. این نکته توضیح می‌دهد که چرا در مقابل کوردهای ساکن در شهرهای بزرگ عثمانی که عمدتاً حامی انقلاب ۱۹۰۸ بودند، نخبگان کورد تحت‌الحمایه در کوردستان به شدت با مفاهیم «ملت» و «جامعه» که توسط اصلاح‌طلبان عثمانی اتحادگرا (اتحاد و ترقی) به جای امت (جامعه اسلامی) اتخاذ شده بود، مخالفت ورزیدند و نسبت به انقلاب ۱۹۰۸ بسیار خصمانه عمل کردند (مک‌داول، ۲۰۰۰: ۹۶). پس از جنگ جهانی اول، زمانی که نقشه خاورمیانه در حال ترسیم مجدد بود، این انشعابات در میان جامعه کورد، در خلاء رهبری که می‌توانست نقشی مشابه نقشی امیران هاشمی در حجاز در ظهور جنبش ملی عرب، و توسعه ناسیونالیسم عربی پس از جنگ بزرگ ایفا کند، نقشی محوری داشت.

در آستانه جنگ، رژیم ترکان جوان، برنامه‌های ایدئولوژیک، سیاسی و اقتصادی را به کار گرفت که تفاوت اساسی با برنامه‌های دولت‌های عثمانی پیشین داشت.

پس از کودتای ۱۹۱۳، حاکمان متأخر عثمانی لیبرالیسم اقتصادی را کنار گذاشتند و در عوض، مدل اقتصادی **میلی اقتصاد** (اقتصاد ملی) را پذیرفتند و هم‌زمان یک تغییر ایدئولوژیک از پان‌اسلامیسم به پان‌ترکیسم در میان نخبگان سیاسی امپراتوری رخ داد. توسعه اقتصادی و پارادایم‌های ایدئولوژیک که حاکمان ترکان جوان ترویج می‌کردند، توسط جانشینان کمالیست آن‌ها به ارث رسید و، اصل و اساس سیاست‌های اجرا شده در جمهوری ترکیه در سراسر دوران جمهوری‌خواهی را تشکیل داد.

در سال‌های ۱۹۱۳ تا ۱۹۵۰، دو رمز عملیاتی برنامه‌های دولتی در بقایای امپراتوری عثمانی، ساخت و حفظ «اقتصاد ملی» ترکیه بود. این امر مستلزم حمایت و ارتقای بورژوازی مسلمان/ترک، و ترک‌سازیِ دورنما و آینده جمعیتی ناهمگن قومی بود. این اهداف حاکمان ترک‌گرا پس از سال ۱۹۱۳، در زمانی که امپراتوری تا حد زیادی به سرزمین‌های مرکزی آناتولی تقلیل یافته و خرد گشته بود، شامل سیاست‌های نسل‌کشی، مهاجرت اجباری، مصادره منابع اقتصادی و سرکوب تمام اشکال هویت‌ها و فرهنگ‌های غیرترکی در استان‌های از حیث قومی مختلط جنوب‌شرق آناتولی (ESA) در شمال کوردستان می‌شد. این ویژگی‌های جدید سیاست‌های دولتی که به‌طور مداوم در این مناطق در ربع اول قرن بیستم اجرا می‌شد، فرآیندی منحصربه‌فرد و جدید از توسعه‌زدایی را به راه انداخت که به‌طور فعالانه توسط سیاست‌های دولتی با هدف جلوگیری از امکان وجود یک پایگاه اقتصادی برای پشتیبانی از موجودیت بومی مستقل ایجاد شده بود (روی، ۱۹۹۵). این فرآیند در کوردستان با سیاست‌هایی به ثمر نشست که نه تنها مانع

توسعه اقتصادی داخلی می‌شد، بلکه عمداً و با عزم و اراده و خواست، توسعه اقتصادی داخلی و اصلاحات ساختاری که بر آن استوار بود را مسدود می‌کرد.

توسعه‌زدایی در کردستان در نتیجه سیاست‌های اجراشده توسط ترکان جوان و وارثان ایدئولوژیک آن‌ها، یعنی کمالیست‌ها آغاز شد، که بر اهداف سازمان‌دهی مجدد جمعیت ملی‌گرایانه (یعنی ترک‌سازی) و اقتصادی (یعنی اقتصاد ملی ترکیه) متمرکز بود. این برنامه‌های دولتی تفاوت بسیاری با رژیم‌های پیشین عثمانی داشتند که به‌نوعی، هر چند تحریف‌شده، امکان قسماً توسعه اقتصادی بومی را فراهم می‌کردند. پیش از دهه اول قرن بیستم، در هیچ مقطعی از تاریخ، ناسیونالیسم قومی به‌عنوان یک مفهوم که با رهبران سیاسی عثمانی هماهنگ باشد، مطرح نبود. بنیاد سیاسی عثمانی بیش از هر چیز، به حفظ تمامیت ارضی و سیاسی یک امپراتوری چندملیتی مشغول بود. ویژگی ناهمگون امپراتوری عثمانی، سیاست‌های رهبران سیاسی عثمانی را به‌طور مکرر تقویت می‌ساخت، و هیچ گرایشی برای تدوین یک دستور کار ملی‌گرایانه وجود نداشت، چراکه این امر در تضاد با هدف رایج حفظ قلمروهای چندفرهنگی کنار هم می‌بود.

نوشتاری که از نظر گذشت، ترجمه‌ای بود از مقاله:

**The political economy of kurdistan: from
development to de-development, veli yadirgi**

از کتاب:

**The cambridge history of the kurds, ed by: hamit
bozarslan, cengiz gunes and veli yadirgi, cambridge
university press, 2021, 1st ed.**

**یادداشت‌ها: (تمامی یادداشت‌ها متعلق به نویسنده و پانویس صفحات مقاله
است)**

¹⁻ در سال ۱۵۲۸، یک دوکات طلا معادل ۵۵ آقچه بود (اینالچیک، ۱۹۹۴: ۷۸)
²⁻ بودجه‌های قرن شانزدهم، هفدهم و هجدهم با همتایان خود در قرن بیستم
تفاوت داشتند. «بودجه‌های» عثمانی پیش از دوران تنظیمات، به‌عنوان
ترازنامه‌ای برای درآمدها و هزینه‌های ازپیش‌انجام‌شده دولت عثمانی به کار
می‌رفتند، که اغلب یک سال کامل شمسی یا قمری را در بر می‌گرفتند. از آنجا که
بودجه‌های عثمانی از قرن شانزدهم تا هجدهم، درآمدهای جمع‌آوری‌شده و
هزینه‌های انجام‌شده را ثبت می‌کردند، مورخان عثمانی آن‌ها را شاخصی معتبر
برای وضعیت کلی اقتصاد به شمار می‌آورند (بارکان، ۲۰۰۰: ۶۰۷؛ اینالچیک،
۱۹۹۴: ۷۸)

³⁻ دفاتر مالی ایجمال شامل خلاصه‌های دوره‌ای از درآمدها و هزینه‌های خزانه
مرکزی شاهنشاهی و خزانه‌های استانی مختلف بودند. این دفاتر برای تأیید
حسابداری داخلی و همچنین ساده‌سازی و خلاصه‌سازی انبوهی از اطلاعات برای
گزارش نهایی به سلطان به صورت فشرده (خلاصه‌وار) به کار می‌رفتند (مرفی،
۱۹۸۷: XVI).

۴- دفاتر ریزنامه شامل ثبت‌های روزانه درآمدها و هزینه‌های خزانه‌های استانی و دیگر ادارات دولتی بودند. برای اطلاعات دقیق‌تر، نک: شاو (۱۹۶۹: ۱-۱۲) و تابعاوغلو (۱۹۸۵: ۳-۴۰).

۵- در رویه مالی عثمانی، یک مقطع به معنای منبع درآمدی بود که پیش‌بینی و در دفتر اداره مالی ثبت می‌شد، و شامل مجموعه‌ای از منابع درآمدی بود. جمع‌آوری چنین درآمدهایی تحت نظام خاص مالیات‌واگذاری (التزام) به عاملان مستقل به نام ملتزم یا عامل واگذار می‌شد، یا به مقامات اداری مانند امیران یا ویوودها سپرده می‌شد.

۶- این دفتر در سال ۱۶۳۶ در نتیجه دستور سلطان مراد چهارم (۱۶۱۲-۱۶۴۰) مبنی بر تهیه گزارشی دقیق از وضعیت درآمدهای مالی آناتولی تهیه شد (مرفی، ۱۹۸۷: XIII).

۷- واژه ویوودالیق از اصطلاحی اسلاوی به نام ویوودا نشأت می‌گیرد. ویوودا به فرمانده زیردست (معاون فرمانده) اشاره دارد. در دوران قرن شانزدهم، این عنوان به والیان مدنی دولت‌های بالکان تحت کنترل امپراتوری عثمانی داده می‌شد. در قرون پیشین، این اصطلاح در آناتولی شمالی و کوردستان برای دسته‌ای از مأموران که به عنوان متصدیان (ناظران) مالیات‌های واگذارشده عمل می‌کردند، به کار می‌رفت. به عنوان یک دسته مالی، ویوودالیق به معنای سرپرستی خاص یا املاک سلطانی است که به اداره یک ویوودا واگذار شده بود، یا به عبارت دیگر، زمین‌های گسترده‌ای که به عنوان املاک شاهنشاهی تحت نظارت مأموران دولتی با عنوان ویوودا اداره می‌شدند. ویوودالیق به عنوان یک اقدام (اداره استانی)، یک اداره مالی استانی بود که سرپرستی بخش عظیمی از ثروت تعیین‌شده دولتی در یک استان

معین را بر عهده داشت. افزون بر این، یکی از وظایف اصلی وُیُودای دیاربکر، ادارهٔ مقطع دیاربکر وُیُودالیغی بود. مقطع دیاربکر وُیُودالیغی بالاترین درآمد را در استان دیاربکر ایجاد می‌کرد. در ازای این خدمت، وُیُودا حقوق سالیانه دریافت می‌کرد (سالزمن، ۲۰۰۳: ۱۲۸-۳۱).

⁸- A&P, 1857, 'Commercial Report for Kurdistan', 2285, XXXVIII, pp. 186-7.

⁹- FO 78/1419, 'Land Tenure in Kurdistan', 1858, Reply by Consul Holmes to Questionnaire, in Issawi (1980: 220).

¹⁰- A&P, 1870, 'Report on Land Tenure in Eastern Turkey', C.75, LXVII, p. 283.

¹¹- Ibid., p. 287.

12- تعاریف مناطق هسته‌ای بر اساس تعریف پاموک ([۱۹۸۷] ۲۰۱۰: ۹۶): یونان شمالی (سالونیک، مناستیر)، تراکیه (ادرنه)، آناتولی غربی و مرمره (ایزمیت، بیگا، هوداوندیگار)، آیدین (ازمیر)، سواحل شرقی دریای سیاه (طرابزون)، آناتولی مرکزی (کاستامونو، آنکارا، قونیه، سیواس)، آناتولی شرقی - ردیف میانی (ارزروم، معموره‌العزیز)، آناتولی شرقی - ردیف جنوبی (دیاربکر، بتلیس، وان).

13 - پس از ۱۷۶۰-۱۷۶۱، مقامات مرکزی مدیریت گمرک (گمرکخانه) دیاربکر را به دیاربکر وُیُودالیقی واگذار کردند. درآمدهای گمرک دیاربکر در طول دههٔ ۱۸۲۰، ۷۶/۴۳ درصد از کل درآمدهای دیاربکر وُیُودالیقی را تشکیل می‌داد و تا دههٔ ۱۸۳۰، تا حد زیادی ثروتمندترین منبع درآمدی وُیُودالیقی این استان بود (پیلمازچلیک، ۱۹۹۵: ۲۸۵، ۳۱۴-۱۵).

¹⁴- A&P, 1873, 'Commercial Report for Diyarbekir', C.824, LXVII, p. 682.

15- برای تحلیل دقیق در مورد خان‌ها، نگاه کنید به فاروقی (۱۹۸۴: ۱-۱۰۴)، و برای توصیف دقیق خان‌های استان دیاربکر، نگاه کنید به ییلمازچلیک (۱۹۹۵: ۲۳-۷۴).

۱۶- سند FO 195/799، تجارت و کشاورزی کوردستان برای سال ۱۸۶۳، پیوست نامه تایلور در دیاربکر، ۱۳ ژوئیه ۱۸۶۴ (تاکید اضافه شده است).
۱۷- سند FO 195/799، تجارت و کشاورزی کوردستان برای سال ۱۸۶۳، نامه تایلور در دیاربکر، ۱۳ ژوئیه ۱۸۶۴.

18- A&P, 1886, C. 4715, XXI, p. 795

۱۹- جداول ۶۰۱۴-۶۰۱۵ تراز تجاری کوردستان را در سال‌های ۱۸۹۱-۱۹۱۳ به صورت اسمی (ارقام اسمی) بیان می‌کنند. این محدودیت به دلیل وجود و رواج شاخص قیمت مصرف‌کننده (CPI) است - که برای محاسبه تورم و در نتیجه شمارش رشد واقعی (تعدیل‌شده بر اساس تورم) به کار می‌رفت - که برای درک و تحلیل روندهای قیمت در امپراتوری عثمانی بر اساس شاخص‌های قیمت در استانبول به کار گرفته می‌شد (نک: پاموک، ۲۰۰۴). با توجه به اینکه در سراسر طول عمر امپراتوری، قیمت‌ها و همچنین دستمزدها در پایتخت امپراتوری با سایر مناطق امپراتوری تفاوت اساسی داشت، بنابراین سودمندی و صحت استفاده از شاخص قیمت مصرف‌کننده (CPI) برای محاسبه رشد واقعی در کوردستان عثمانی بسیار قابل تردید است. با این حال، وقتی دو واقعیت زیر را در نظر داشته باشیم، آشکار می‌شود که گسترش تجارت مطرح‌شده در این فصل قابل انکار

- نیست: (۱) نرخ مبادله پوند استرلینگ بریتانیا در برابر لیر عثمانی طی سال‌های ۱۸۵۰-۱۹۱۴ ثابت ماند (یعنی ۱ پوند استرلینگ = ۱۰۱ لیر عثمانی)، و (۲) تغییر در شاخص قیمت مصرف‌کننده در استانبول در سال‌های ۱۸۹۱-۱۹۱۳ تغییر چندان قابل توجهی نداشت (یعنی شاخص قیمت مصرف‌کننده در سال ۱۸۹۱ برابر با ۲۸۲.۹۱ و در سال ۱۹۱۳ برابر با ۳۱۷.۱۰ بود) (پاموک، ۲۰۰۴).
- ۲۰- برای تحلیل‌های دقیق از ماهیت و پیامدهای سیاست‌های فضایی ملی‌گرایانه در اواخر دوره عثمانی و دوران جمهوری خواهی ترکیه در آناتولی شرقی، رجوع کنید به: یونگردن (۲۰۰۷)، اؤکتیم (۲۰۰۴) و اولکر (۲۰۰۵).
- ۲۱- برای بررسی دقیق پیامدهای اجتماعی و اقتصادی نسل‌کشی ارمنه در سال ۱۹۱۵، نگاه کنید به اونگور و پولاتل (۲۰۱۱).
- ۲۲- آرشیو نخست‌وزیری (BOA)، دفتر اسناد محرمانه وزارت کشور (DH.ŞFR) ۲۶۱/۵۷، وزارت کشور به تمام استان‌ها، ۲ نوامبر ۱۹۱۵، در اونگور و پولاتل (۲۰۱۱: ۹۳).
- ۲۳- برای سخنرانی مصطفی کمال آتاتورک در کنگره اقتصاد از میر، رجوع کنید به اینان (۱۹۷۲: ۵۷-۶۹).
- ۲۴- FO- ۱۲۲۵۵/۳۷۱، کلرک به چمبرلین، استانبول، ۲۲ ژوئن ۱۹۲۷.
- ۲۵- مصطفی عبدالخالق رندا، یکی از نویسندگان مشترک گزارش اصلاحات در شرق مذکور، در سپتامبر ۱۹۲۵ در استان‌ها/نواحی شرقی غازی‌عینتاب، اورفا، سورک، دیاربکر، سیرت، بیتلیس، وان، موش، گنچ، الازیغ، درسیم، ارگانی، ماردین، مالاتیا و مرعش در جستجوی این‌که «کوردها کجا زندگی می‌کنند و چند نفر هستند» گشت‌وگذار کرد. در نتیجه این پژوهش میدانی، رندا دریافت که از

مجموع ۱,۳۶۰,۰۰۰ نفر جمعیت ساکن شرق فرات، ۹۹۳,۰۰۰ نفر کرد، ۲۵۱,۰۰۰ نفر ترک و ۱۱۷,۶۰۰ نفر عرب بودند. علاوه بر این، رندا، پس از یک تحلیل اقتصادی-اجتماعی مفصل از استان‌های شرقی، به این نتیجه رسید که کوردها در این منطقه از ترکیه در «موقعیت اقتصادی مسلط» بوده‌اند (بایراک، ۱۹۹۳: ۴۵۲-۶۷).

TCBIUM۲۶. سالنامه آماری، ۱۹۲۸: ۲۴-۵.

۲۷ - همان، ۱۹۳۲: ۳۵۹.

۲۸ - همان، ۱۹۲۸: ۲۸-۹.

۲۹ - همان، ۱۹۳۴: ۳۰۵.

۳۰ - همان، ۱۹۳۳: ۱۸۸-۹.

۳۱- FO. ۱۱۵۲۸/۳۷۱، نایت به لندسی، ترابزون، ۱۶ ژوئن ۱۹۲۶.

۳۲- FO. ۱۳۸۲۸/۳۷۱، کلرک (استانبول) به هندرسون (لندن)، ۱۵ ژوئیه ۱۹۲۹.

ضمیمه مترجم: اصطلاحات تخصصی و تاریخی

ایجمال: سند یا دفتر مالی خلاصه شده در نظام اداری عثمانی. این دفاتر در واقع گزارش‌های فشرده‌ای از اطلاعات مفصل‌تر بودند، که در زمینه بودجه و بودجه‌ریزی به کار می‌آمدند.

تیمار: زمینی که در ازای خدمات نظامی به سواره نظام عثمانی اعطا می‌شد. به عبارت دیگر، تیمار گونه‌ای اقطاع نظامی بود که صاحب آن را به شرکت در جنگ‌ها و اعزام تعدادی نیرو و سپاه به میدان نبرد ملزم می‌ساخت.

آقچه: سکه‌ای از جنس نقره که در دوران عثمانی ضرب می‌شد و در تمامی سرزمین‌های تحت سلطه عثمانی‌ها رایج بود.

قروش: سکه‌ای رایج در کشورهای عربی که پایه نقره داشت و در مراودات و مبادلات بینا منطقه‌ای کاربرد داشت.

پاشالیک: قلمرو تحت امر پاشاها که «ولایت» نیز نامیده می‌شود.

دونوم: یکای اندازه‌گیری مساحت که در امپراتوری عثمانی رواج داشت.

مقاطع: نوعی نظام مالیاتی در عثمانی که بر پایه اجاره زمین پیش می‌رفت.

